

دوم عزرا

از مجموعه کتابهای آپوکریفا

گذری بر تاریخ مابین
عهد قدیم و عهد جدید

کاری از کانون راه حیات
مترجم: داود کاظمیان

معرفی

حتی اگر کتاب دوم عزرا به عنوان متون کتاب مقدس مورد پذیرش قرار بگیرد، باز هم بسیاری از محققان کتاب مقدس تصور نمی‌کنند که این اثر از کتابهای الهامی باشد. اطلاعات موجود در این کتاب با آموزه‌های کتاب مقدس مغایرت دارد. و زمان وقایع تاریخی آن مخدوش است. کتاب دوم عزرا به عنوان متون استاندارد عبری در نظر گرفته نشده است؛ و از آنجا که این کتاب در تاریخ پس از شکل‌گیری عهد قدیم پیدا شد، از نظر یهودیان نیز به عنوان کتابهای الهامی مورد قبول قرار نگرفت.

تاریخچه

نسخه عبری و یونانی این اثر بطور کامل موجود نیست و تنها قسمتهایی از ترجمه یونانی آن باقی مانده است. اما این متن در حال حاضر به زبان لاتین در دسترس است. کتاب دوم عزرا توسط کلیساهای ارتدکس یونان و روس به عنوان کتابهای قانونی ثانی شناخته می‌شوند و اغلب توسط رهبران این کلیساها مورد استناد قرار می‌گیرد. اما توسط کلیساهای کاتولیک روم آنقدر شناخته شده نیست. این اثر همچنین توسط اکثر مسیحیان به عنوان یکی از متتهای اصلی کتاب مقدس مورد پذیرش قرار نگرفته است.

سبک نگارش

دوم عزرا در درجه اول از کتابهای آپوکریفا به حساب می‌آید که مجموعه‌ای از بینش‌ها و مکاشفه‌ها را در خود جا داده است. چنین بنظر می‌رسد که این کتاب در برگزیده رؤیاهایی است که به عزرا الهام می‌شوند و در بر گیرنده مکاشفاتی الهی بر اساس ایجاد عصری نوین و تدوین کتاب شریعت توسط عزرا و پنج کاتب دیگر می‌شود که از نکات اساسی این کتاب هستند.

نویسنده

این اثر توسط یک یا چند یهودی ناشناس به زبان عبری یا آرامی نوشته شده است؛ اما فرض بر این است که دوم عزرا توسط نویسندگان متعددی به نگارش در آمده است. هدف این اثر تشویق یهودیان به بردباری و استقامت در تبعید است.

بسیاری از محققان ادعا می‌کنند که این کتاب در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده است؛ اما برخی نیز آنرا منتسب به اواخر قرن دوم میلادی می‌دانند. به دلیل ماهیت مکاشفه‌ای این کتاب، برخی استدلال می‌کنند که دوم عزرا اندکی قبل از تخریب اورشلیم در سال ۷۰ میلادی یا در زمان سلطنت خشن و ظالم دومینیان، امپراتور روم نوشته شده است که حکومت او از سال ۸۱ تا ۹۶ پس از میلاد برقرار بود.

شرح حال

بخش اصلی این اثر شامل گزارشی از هفت مکاشفه است، که به عزرا داده می‌شود و به سؤالاتی مربوط به مسئله شرارت، رنج، آزار و اذیت، پایان جهان، داوری و دنیای نوین پاسخ می‌دهد. هفت مکاشفه عزرا نشان از نگرانی‌های وی در مورد یهودیان دارد. در اولین مکاشفه در حالی که هنوز در بابل زندگی می‌کرد، فرشته‌ای به نام اوریئیل بر او ظاهر می‌شود، تا به سؤالات عزرا پاسخ دهد؛ هر چند که از وی در عهد قدیم یا جدید ذکری به میان نیامده است.

یکی از مواردی که در دوم عزرا به چشم می‌خورد، این است که خدا در بوته به عزرا ظاهر شده و به او دستور می‌دهد که کتاب شریعت را باز نویسی کند. این مجموعه که پس از دیکته شدن به عزرا، توسط او و پنج کاتب دیگر به رشته تحریر در می‌آید، شامل ۹۴ کتاب می‌شود.

نسب نامه عزرا

۱ دومین نامه عزرا نبی پسر سرایا، نوه عزریا از نسل حلقیا، پسر شلوم، پسر صادق، پسر اخیطوب، ۲ پسر اخیایا، پسر فینحاس، پسر عیلی، پسر امریایا، پسر عزریا، پسر مرایوت، پسر عارنا، پسر عزریا، پسر بقی، پسر ابیشوع، پسر فینحاس، پسر العازار، ۳ پسر هارون که از طایفه لاوی بود. او در دوران حکومت مادها در زمان سلطنت اردشیر، پادشاه پارس، در اسارت بسر می‌برد.

طرد قوم اسرائیل

۴ کلام خداوند بر من نازل شده و چنین گفت: ۵ برو، و اعمال بد قوم مرا به آنها اعلام کن، همچنین به فرزندان آنها بگو که چه شرارت‌هایی بر علیه من مرتکب شده‌اند، چنانچه باشد که آنها نیز برای فرزندان فرزندان خود نیز بازگو کنند؛ ۶ زیرا فرزندان آنها نیز بر گناهان والدینشان افزوده‌اند، آنها مرا فراموش کرده‌اند و به خدایان بیگانه قربانی تقدیم می‌کنند. ۷ آیا این من نبودم که آنها را از سرزمین مصر و از خانه اسارت بیرون آوردم؟ اما آنها مرا خشمگین کرده و از کلام من کراهت دارند. ۸ حالا موهای سر خود را در اندوه خود کنده و مصیبتی را که شایسته آن هستند بر ایشان فرا بخوان، زیرا آنها نه تنها از فرامین من پیروی نکرده‌اند بلکه قومی سرکش نیز هستند. ۹ تا به کی می‌توانم با آنها مدارا کنم، کسانی که یک چنین نعمتهای فراوانی به آنها عطا کردم؟ ۱۰ به خاطر آنها بسیاری از پادشاهان را سرنگون کردم. من فرعون را به همراه تمام خدمتگزاران و تمام ارتش او درهم شکستم. ۱۱ همه ملت‌ها را در پیش روی آنها نابود کردم؛ و مردم دو ایالت را یعنی صور و صیدون را در شرق پراکنده کردم. من تمام دشمنان آنها را نابود ساختم.

رحمت خدا بر اسرائیل

۱۲ به آنها بگو که خداوند چنین می‌گوید: ۱۳ مطمئناً این من بودم که شما را از طریق دریا عبور دادم و در جایی که هیچ جاده‌ای نبود، من برای شما بزرگراه‌های امن ساختم. من موسی را به عنوان رهبر و هارون را به عنوان کاهن به شما دادم. ۱۴ من از ستون آتش برای شما روشنایی ایجاد کردم و شگفتی‌های بزرگی در بین شما انجام دادم. اینک خداوند می‌گوید، با این

حال باز هم مرا فراموش کرده‌اید.

۱۵ خداوند متعال چنین می‌گوید، بلدرچین‌ها نشانه‌ای برای شما بودند. من برای محافظت از شما به شما مکانهای امن برای اردو زدن دادم اما در آنجا شکایت کردید. ۱۶ حتی وقتی من دشمنان شما را نابود کردم هرگز از من قدردانی نکردید، اما همچنان تا به امروز شکایت می‌کنید. ۱۷ آیا نعمتهایی را که به شما بخشیده‌ام فراموش کرده‌اید؟ وقتی در بیابان گرسنه و تشنه شدید، دست خود را برای کمک بسوی من بلند نکردید. ۱۸ بلکه گفتید: چرا ما را به این بیابان کشاندی تا به گشتن دهی؟ برای ما بهتر بود که به مصریان خدمت کنیم تا اینکه در این بیابان بمیریم. ۱۹ از ناله‌های شما به رحم آمده و به شما مَن برای غذا دادم. شما نان فرشتگان را خوردید. ۲۰ وقتی تشنه بودید، آیا من صخره را نشکافته و از آن به فراوانی برای شما آب جاری نکردم؟ و برای حفاظت شما از گرما، سایه درختان پوشیده از برگ را فراهم کردم. ۲۱ زمینهای حاصلخیز را بین شما تقسیم کردم. من کنعانیان، فرزریان و فلسطینیان را از مقابل شما بیرون راندم. خداوند می‌گوید، دیگر چه کاری بیشتر از این باید برای شما انجام دهم؟ ۲۲ خداوند خدای متعال چنین می‌گوید: وقتی در بیابان بودید، و تشنه به برکه آب تلخ رسیدید، نام مرا مورد کفر قرار دادید؛ ۲۳ من به خاطر کفر گویی شما، از آسمان آتش بر شما فرو نریختم، بلکه چوب درختی را به آب انداخته و آنرا برای شما شیرین ساختم.

سرپیچی اسرائیل

۲۴ ای یعقوب با تو چه باید کنم؟ و شما ای یهودا، همچنان از من پیروی نمی‌کنید. من روی خود را بسوی سایر اقوام خواهم نمود؛ و نام خود را به آنها خواهم داد و آنها قطعا از احکام من پیروی خواهند کرد. ۲۵ از آن جهت که مرا ترک کردید، من نیز شما را رها خواهم کرد. وقتی التماس کنید که به شما رحم کنم، آنگاه رحمی به شما نشان خواهم داد. ۲۶ وقتی مرا فرا بخوانید، به شما گوش خواهم داد. زیرا دست شما به خون آغشته شده است، و پاهای شما برای قتل دیگران به شتاب حرکت کرده است. ۲۷ خداوند می‌گوید، اینطور فکر نکنید که شما مرا رها کرده‌اید؛ بلکه خودتان را رها کرده‌اید.

۲۸ خداوند خدای متعال چنین می‌گوید: آیا من مانند پدر با پسران خود،

مانند مادر با دختران خود، و مانند دایه که کودک کوچک خود را دوست دارد، با شما رفتار نکردم. ۲۹ بنابراین شما نباید قوم من باشید و من خدای شما باشم و شما فرزندان من و من پدر شما باشیم؟ ۳۰ من شما را زیر بالهای خود جمع کردم، همانند مرغی که جوجه‌های خود را در زیر بالهای خود جمع می‌کند. اکنون دیگر چه کاری باید برای شما انجام دهم؟ من شما را از حضور خود دور خواهم کرد. ۳۱ هنگامی که بخواهید برای من قربانی تقدیم کنید، صورتم را از شما بر خواهم گرداند. ۳۲ زیرا من روزهای جشن و ماه‌های نو و مراسم ختنه شما را طرد کرده‌ام. ۳۳ من انبیایی را که خادمان من بودند برای شما فرستادم، اما شما آنها را گرفته و به قتل رساندید و اجساد آنها را نیز تکه تکه کردید. خداوند می‌گوید، من انتقام خون آنها را از شما خواهم گرفت.

۳۳ خداوند خدای متعال چنین می‌گوید: خانه شما متروک و ویران خواهد شد. همانند بادی که کاه را پراکند می‌سازد، من نیز شما را پراکنده خواهم کرد. ۳۴ و پسران شما فرزندی نخواهند داشت، زیرا آنها به همراه شما از فرامین من غافل شده‌اند و آنچه را که در نظر من ناپسند است به عمل می‌آورند. ۳۵ من خانه‌های شما را به قومی واگذار خواهم کرد که از دور دست‌ها می‌آیند. کسانی که حتی کلامی از من نشنیده‌اند، به من ایمان خواهند آورد؛ کسانی که من به آنها حتی هیچ نشانه‌ای یا معجزه‌ای نشان نداده‌ام، اما آنچه را که به آنها امر کنم، انجام خواهند داد. ۳۶ آنها هیچ پیامبری را ندیده‌اند، اما با این حال وضعیت سابق خود را به یاد خواهند آورد. ۳۷ من می‌خواهم شاهد سپاسگزاری از مردمی باشم که خواهند آمد زیرا به آنها برکت خواهم داد و فرزندان‌شان با خوشحالی شادی می‌کنند؛ گرچه آنها مرا با چشمان خود نمی‌بینند؛ اما با این وجود در روح خود، هر آنچه را که به آنها بگویم باور خواهند داشت.

۳۸ و اکنون ای پدر،^۱ با غرور نگاه کن و مردمی را ببین که از شرق می‌آیند. ۳۹ ابراهیم، اسحاق و یعقوب و هوشع و عاموس، میکاه، یوئیل و عوبدیا و یونس ۴۰ و ناحوم و حبقوق، صفنیا، حبی، زکریا و ملاکی را به آنها خواهم داد، که انبیای خداوند نامیده می‌شوند.

داوری بر اسرائیل

۲ بدینسان خداوند می‌گوید: من این قوم را از اسارت بیرون آوردم و از طریق بندگان خود انبیا به آنها فرامین خود را دادم؛ اما آنها به این احکام گوش نمی‌دهند، و اندرزهای مرا نادیده می‌گیرند. ۲ مادری که آنها را به دنیا آورده است، به آنها خواهد گفت: فرزندانم بروید، زیرا دیگر من یک بیوه فراموش شده هستم. ۳ من شما را با خوشحالی بزرگ کردم. اما با سوگواری و اندوه، شما را از دست خواهم داد، زیرا شما در حضور خداوند خدای خود گناه کرده‌اید و در جلوی چشمان من کارهای بد و نادرست انجام داده‌اید. ۴ اما اکنون چه کاری می‌توانم برای شما انجام دهم؟ زیرا من بیوه و رها شده‌ام. بروید فرزندان من، و از خداوند درخواست رحم و شفقت کنید. ۵ اکنون ای پدر، ۱ تو را فرا می‌خوانم، تا علاوه بر مادران شاهد آن باشی که آنها عهد مرا نگاه نداشتند، ۶ حال بر آنها چنان اغتشاشی نازل کن که مادرشان به تباهی کشیده شود تا دیگر نسلی از او حاصل نشود. ۷ بگذار آنها در بین سایر اقوام پراکنده شوند. بگذار نام آنها از روی زمین محو شود، زیرا آنها عهد مرا مورد تحقیر قرار دادند.

۸ وای بر شما آشوریان که شیریران را در درون خود پنهان می‌کنید! ای قوم شرور، آنچه را که من با سدوم و غموره انجام دادم، به یاد بیاور. ۹ خداوند متعال می‌گوید: سرزمین آنها را در گلوله‌های آتش و انبوه خاکستر قرار دادم. این همان کاری است که با کسانی که به من گوش فرا ندهند، انجام خواهم داد.

۱۰ بنابراین خداوند به عزرا می‌گوید: به قوم جدید من بگویید پادشاهی اورشلیم را که قرار بود به اسرائیل بدهم به آنها خواهم داد. ۱۱ علاوه بر این، جلال خود را از اسرائیل باز پس خواهم گرفت و مکان ابدی را که برای اسرائیل آماده کرده بودم به ساکنان دیگری واگذار خواهم کرد. ۱۲ درخت حیات، عطرهای معطر به آنها می‌بخشد و آنها نه مشقت خواهند کشید و نه خسته می‌شوند. ۱۳ سؤال کنید و دریافت خواهید کرد. دعا کنید که روزهای انتظار شما کوتاه شود. پادشاهی از قبل برای شما آماده شده است؛ بنابراین مراقب باشید! ۱۴ خداوند می‌گوید، بهشت و زمین را برای شهادت فرا بخوانید، که من خدای زنده هستم، چنانچه شر را منسوخ و نیکی را آفریدم.

تشویق به اعمال نیک

۱۵ خداوند می‌گوید، اورشلیم همانند یک مادر خوب، فرزندان خود را در آغوش گرفته؛ و مانند یک کبوتر، با خوشحالی آنها را پرورش داده و پاهای آنها را استوار ساخته است، زیرا من شما را انتخاب کردم. ۱۶ و من مردگان را از جاهایشان بر می‌خیزانم و آنها را از گورهایشان بیرون می‌آورم، زیرا می‌دانم که نام من بر آنها قرار دارد. ۱۷ خداوند می‌گوید، نترس ای مادر فرزندان، زیرا من تو را انتخاب کردم. ۱۸ بندگانم اشعیا و ارمیا را برای کمک به شما خواهم فرستاد، به شما کمک می‌کنم. طبق توصیه آنها، دوازده درخت پر از میوه‌های مختلف، ۱۹ و به همین تعداد چشمه‌های شیر و عسل و هفت کوه قدرتمند را که روی آنها گل رُز و نیلوفر رشد می‌کند، تقدیس و آماده کرده‌ام. با این کار، فرزندان شما را از شادی لبریز خواهم کرد.

۲۰ حقوق بیوه زن را مراعات کنید، عدالت را برای شخص محجور تأمین کنید، به نیازمندان کمک کنید، از یتیم دفاع کنید، برهنه را لباس بپوشید، ۲۱ مراقب مجروحان و افراد ضعیف باشید، افراد معلول را مسخره نکنید، از شخصی که می‌لنگد حمایت کنید، و بگذارید نابینایان تصویری از شکوه و عظمت من داشته باشند. ۲۲ در خانه‌های خود از پیر و جوان محافظت کنید. ۲۳ وقتی کسی را که مُرده است می‌یابید، او را به خاک بسپارید و روی قبر او را علامت گذاری کنید، و من در روز قیامت جایگاه خاصی را به شما اختصاص خواهم داد. ۲۴ قوم من، تامل کنید و آرام باشید، زیرا زمان استراحت شما فرا خواهد رسید.

۲۵ دایه خوب^۱، فرزندان خود را تغذیه کرده و به پاهای آنها قوت می‌بخشد. ۲۶ از اینرو هیچ یک از خدمتگزارانی که به تو داده‌ام، هلاک نخواهند شد، زیرا در زمان ضرورت، من به آنها احتیاج خواهم داشت. ۲۷ مضطرب نباشید، زیرا وقتی روز سختی و مشقت فرا می‌رسد، دیگران گریه کرده و اندوهگین خواهند شد، اما شما شاد و خوشحال خواهید بود. ۲۸ خداوند می‌گوید، سایر قومها به شما حسادت می‌ورزند، اما نمی‌توانند علیه شما کاری انجام دهند. ۲۹ قدرت من شما را محافظت می‌کند، تا فرزندان شما هرگز روی جهنم را نبینند.

۱ - منظور از پدر، همان عزرا است.

۳۰ خداوند می‌گوید: ای مادر،^۲ با فرزندان شاد باش، زیرا من تو را رهایی خواهم داد. ۳۱ فرزندان خود را که در گورها خوابیده‌اند بخاطر بسیار، زیرا من آنها را از مخفیگاه‌های زمین بیرون می‌آورم و رحمت خود را به آنها نشان خواهم داد؛ زیرا من خداوند متعال و رحیم و مهربان هستم. ۳۲ فرزندان خود را تا زمان آمدن من در آغوش گرفته و به آنها از رحمت من سخن بگو؛ زیرا چشمه‌های اعانت من هرگز خشک نمی‌شوند، و فیض من هرگز بی ثمر نخواهد بود.

عزرا بر کوه حوریب

۳۳ من عزرا، در کوه حوریب از خداوند دستور گرفتم که به اسرائیل بروم. وقتی به نزد آنها رفتم، آنها مرا طرد کرده و از فرمان خداوند امتناع کردند. ۳۴ بنابراین، من به شما می‌گویم، ای قومی که می‌شنوید و می‌فهمید، منتظر شبان خود باشید. او به شما آرامی ابدی خواهد داد، زیرا زمانی می‌آید که آخر دنیا بسیار نزدیک است. ۳۵ برای پاداش پادشاهی آماده باشید، زیرا نور ابدی برای همیشه بر شما خواهد درخشید. ۳۶ از تاریکی دوران حاضر فرار کنید، و جلال شادی آفرینی را که برای شما آماده شده است، دریافت کنید. من در انتظار عموم، به نجات دهنده خود شهادت می‌دهم. ۳۷ آنچه را که خداوند به شما واگذار کرده، بپذیرید و شاد باشید، و از او که شما را به پادشاهی آسمان فرا خوانده است، سپاسگزار باشید. ۳۸ برخیزید، و راست بایستید و تعداد کسانی را که به نشان خداوند مهر شده و به ضیافت او دعوت شده‌اند را ببینید. ۳۹ تمام کسانی که خود را از تاریکی این دوران جدا کرده‌اند، جامه‌های با شکوه از جانب خداوند دریافت خواهند کرد. ۴۰ ای صهیون، دوباره از تعداد کامل خود لبریز شو، و از قوم خدا که ملبس به لباس سفید هستند و از شریعت خداوند پیروی کرده‌اند، استقبال کن. ۴۱ تعداد فرزندان، که مورد نظر تو بود، اکنون کامل است. از قدرت والای خداوند بخواه که قوم تو را که از روز ازل خوانده شده‌اند، تقدیس کرده و مقدس بسازد.

عزرا و دیدن پسر خدا

۴۲ من عزرا، در کوه صهیون جمعیت زیادی را دیدم که نمی‌توانم تعداد آنها را به شمارش درآورم، و همه آنها خداوند را با سرود ستایش می‌کردند. ۴۳

در میان آنها مرد جوان و بلند قدی قرار داشت که از همه آنها بلندتر بود و بر سر هر یک از آنها تاج قرار می‌داد، اما او از همه آنها والاتر بود. و من از این امور، مات و مبهوت شده بودم. ۴۴ سپس از فرشته‌ای پرسیدم: سرورم، اینها چه کسانی هستند؟ ۴۵ او پاسخ داد و گفت: اینها کسانی هستند که لباسهای فانی را از تن درآورده و جامه ابدی را پوشیده‌اند، و نام خدا را نیز اعتراف کرده‌اند. اکنون آنها تاج گذاری شده و شاخه نخل^۲ دریافت می‌کنند. ۴۶ سپس به فرشته گفتم: این جوانی که بر سر آنها تاج می‌گذارد و شاخه نخل به دست آنها می‌دهد، کیست؟ ۴۷ او پاسخ داد و به من گفت: او پسر خداست، که آنها ایمان خود را به او در جهان اعتراف کرده‌اند. از اینرو من شروع به تمجید از کسانی کردم که با شجاعت به خاطر نام خداوند ایستاده بودند. ۴۸ سپس فرشته به من گفت: برو، و به قوم من بگو، که چه چیزهای والا و چه چیزهای شگفت انگیزی از خداوند خدای خود دیده‌ای.

روای اول

۳ ۱ سی سال پس از تخریب شهر،^۱ من در بابل بودم؛ نام من، سلاتنیل^۲، است که عزرا نیز نامیده می‌شود. وقتی که در بستر خود می‌خوابیدم، افکار من قلبم را آشفته و مرا منقلب می‌ساخت،^۲ زیرا من ویرانی صهیون و ثروت کسانی را که در بابل زندگی می‌کردند می‌دیدم. ۳ روح من بسیار آزرده شد، و شروع به گفتن سخنان آرزومندانه به خداوند متعال کردم، و گفتم: ۴ ای خداوند مقتدر، آیا وقتی که زمین را بدون کمک هیچ کس دیگری بنا کردی، آیا در ابتدا سخن نگفتی؟^۵ به گرد و غبار فرمان دادی و آدم آفریده شد، که بدنی فاقد حیات بود. با این وجود او آفرینش دستهای تو بود، و تو در او روح حیات دمیدی و او در حضور تو زنده شد. ۶ و او را به باغی سوق دادی که قبل از ظهور زمین به دست راست خود آنرا به عمل آورده بودی. ۷ و فقط انجام یک فرمان خود را بر عهده او گذاشتی. اما او از آن تخطی و سرپیچی کرد، و تو بلافاصله مرگ را برای او و نسل وی تعیین کردی؛ از نسل او، ملل و قبایل مختلف پدید آمدند، جمعیت و خاندانهایی که غیر قابل

۳ - شاخه نخل نشانه پیروزی است.

۱ - منظور اورشلیم است.

۲ - شَلْتَنِیْل نیز نامیده شده است.

شمارش بودند. ۸ و هر قومی بر طبق خواست خود قدم برداشته و زندگی می‌کرد. آنها در مقابل چشمان تو، کارهای ناپسند انجام دادند و فرامین تو را نادیده گرفتند؛ اما تو مانع آنها نشدی. ۹ اما بار دیگر، در زمان خود، تو سیل را بر ساکنان جهان نازل کرده و آنها را نابود کردی؛ ۱۰ و این همان سرنوشتی بود که برای همه آنها اتفاق افتاد: همانطور که مرگ به سراغ آدم آمد، به همین ترتیب نیز سیل بر آنها جاری شد. ۱۱ اما تو یکی از آنها را، نوح را با خانواده‌اش و همه صالحانی که از نسل او بودند، از سیل نجات دادی.

۱۲ و وقتی آنهایی که بر روی زمین زندگی کردند، شروع به تکثیر نمودند، از آنها فرزندان، مردمان و ملل بسیاری بوجود آمدند، و دوباره شروع به انجام کارهای ناپسند، حتی بیشتر از اجدادشان کردند. ۱۳ و وقتی آنها در نظر تو مرتکب اعمال شریرانه و ظلم می‌شدند، تو یکی از آنها را برای خود برگزیدی که نام او ابراهیم بود. ۱۴ تو او را دوست داشتی و فقط به او و آنهم مخفیانه و در دل شب، پایان جهان را نشان دادی. ۱۵ تو با او یک عهد جاودانه برقرار ساختی و به او وعده دادی که هرگز نسل او را ترک نخواهی کرد؛ و به او اسحاق را دادی، و به اسحاق نیز یعقوب و عیسو را. ۱۶ یعقوب را برای خود برگزیدی، اما عیسو را رد کردی. و از یعقوب جمعیت عظیمی بوجود آمد. ۱۷ و وقتی نسل او را از مصر بیرون آوردی، آنها را به کوه سینا بردی. ۱۸ تو آسمانها را خم کرده و زمین را به لرزش درآورده و جهان را حرکت دادی، چنانچه اعماق زمین مرتعش شده و زمان دچار آشفتگی گردید. ۱۹ جلال تو از میان چهار دروازه آتش، زلزله، باد، و یخ عبور کرد و شریعت را به نسل یعقوب و فرامین خود را به فرزندان اسرائیل دادی.

۲۰ با این حال تو قلب شریر آنها را از ایشان دور نکردی، تا فرامین تو در آنها ثمر بخش گردد. ۲۱ این امر توسط اولین آدم، که اسیر قلب شیطانی گردید و از فرمان تو تخطی و بر آن غلبه نمود، شروع شد و تا تمام کسانی که از تبار او هستند، ادامه یافت. ۲۲ از اینرو این یک بیماری دائمی و فراگیر است. شریعت در قلب مردم، اما همراه با ریشه شرارت بود. بدینسان آنچه خیر و نیکو بود از بین رفت، و شر باقی ماند. ۲۳ پس زمان گذشت و سالها به پایان رسید، و برای خود خادمی بنام داود انتخاب کردی. ۲۴ به او فرمان دادی که شهری برای نام تو بسازد و در آنجا هر آنچه را که مال توست، به تو تقدیم کند. ۲۵ سالها این کار انجام شد؛ اما ساکنان شهر از

این امر سرپیچی کردند، ۲۶ آنها نیز هر کاری را به عمل آوردند که آدم و تمامی نسل او انجام داده بودند؛ زیرا آنها نیز قلب شریر داشتند. ۲۷ بدینسان تو شهر خود را به دشمنان خود تسلیم کردی.

مقایسه بابل با صهیون

۲۸ و سپس در قلبم گفتم: آیا اعمال کسانی که در بابل ساکن هستند بهتر است؟ و به همین دلیل است که بر صهیون تسلط پیدا کرده‌اند؟ ۲۹ زیرا وقتی به اینجا آمدم، کارهای نادرست و ظالمانه بی شماری را دیدم، و روح و جان من در این سی سال، گناهکاران زیادی را دیده و قلب مرا ناکام کرده است. ۳۰ زیرا من دیده‌ام که تو چگونه گناهان ایشان را تحمل کرده و از مجازات کسانی که به بدی عمل نموده و قوم تو را نابود کرده‌اند به راحتی می‌گذری و از دشمنان خود محافظت می‌کنی! ۳۱ و به کسی نشان نداده‌ای که چگونه می‌توان طریقه‌های تو را درک کرد. آیا اعمال بابل بهتر از اعمال کسانی است که در صهیون هستند؟ ۳۲ یا آیا قوم دیگری به غیر از اسرائیل نیز تو را می‌شناسد؟ یا چه قبیله‌ای از قبایل یعقوب به عهد تو بیشتر ایمان داشته است؟ ۳۳ اما آنها هنوز پاداش خود را نگرفته‌اند و زحمت آنها هیچ ثمری به بار نیاورده است. زیرا من در بین اقوام بسیار زیادی سفر کرده‌ام و می‌بینم که آنها ثروت فراوان دارند، گرچه نسبت به فرامین تو بی اعتنا هستند. ۳۴ از اینرو بی عدالتی‌های ما و ساکنان جهان را با هم مقایسه کن؛ و معلوم خواهد شد که اعمال بد کدام یک سنگین‌تر است. ۳۵ آیا زمانی بوده که ساکنان زمین در نظر تو گناه نکرده باشند؟ یا اینکه کدام قومی احکام تو را به درستی و به خوبی رعایت کرده است؟ ۳۶ در واقع ممکن است که بصورت فردی کسانی را پیدا کرد که احکام تو را مراعات کرده باشند، اما تو هرگز قومی را بدین شکل نخواهی یافت.

محدودیت ذهن انسان

۴ ۱ سپس فرشته‌ای به نزد من فرستاده شد، که نام او اوریئیل بود؛ وی پاسخ داد، ۲ و به من گفت: درک تو نسبت به این جهان کاملاً با شکست روبرو خواهد شد؛ آیا فکر می‌کنید که می‌توانید راه قادر متعال را درک کنید؟ ۳ سپس من گفتم، بلکه سرورم؛ و او پاسخ داد، من فرستاده شده‌ام تا به تو سه راه نشان دهم و همزمان سه مشکل را نیز پیش روی تو قرار دهم. ۴

اگر بتوانید یکی از آنها را برای من حل کنید؛ آنگاه من به تو راهی را که مشتاق دیدن آن هستی، نشان خواهم داد و به تو خواهم آموخت که چرا قلب انسان تمایل به بدی دارد.

۵ گفتم: سخن بگو، سرورم.

و او به من گفت: برو، وزن آتش را برای من بسنج، یا تلاطم باد را برای من محاسبه کرده، و یا روز گذشته را برای من فرا بخوان.

۶ من پاسخ دادم و گفتم: از کسانی که تا کنون متولد شده‌اند، چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد، که شما از من درباره چنین مواردی سؤال می‌کنید؟

۷ و او به من گفت، اگر از تو سؤال کرده بودم، چند جای سکونت در اعماق دریا وجود دارد، یا چه تعداد چشمه در منابع عمق زمین قرار دارد، یا چند نهر آب در بالای افلاک جریان دارد یا دروازه خروج از جهان مردگان یا دروازه ورود به فردوس کدام است؟ ۸ احتمالا شما به من می‌گفتید: من هرگز به اعماق فرو نرفتم و به دنیای مردگان وارد نشدم و هرگز به بهشت نیز صعود نکردم. ۹ اما اکنون من فقط از شما در مورد آتش و باد و روز سوال کردم، چیزهایی که شما تجربه کرده‌اید و نمی‌توانید خود را به هیچ طریق از آنها جدا ساخته و به من هیچ پاسخی در مورد آنها ندهید. ۱۰ او به من گفت: شما نمی‌توانید حتی چیزهایی را که با آنها بزرگ شده‌اید درک کنید؛ ۱۱ چگونه پس ذهن شما می‌تواند راه قادر متعال را درک کند؟ و چگونه کسی که از قبل توسط این دنیای فاسد، آلوده شده است، می‌تواند قلمرو فراتر از فساد را درک کند؟ وقتی این را شنیدم، به روی صورت خود افتادم؛ ۱۲ و به او گفتم: بهتر این بود که ما هرگز به دنیا نمی‌آمدیم تا در این دنیای پر از گناه و شرارت زندگی کنیم و رنج کشیده و متوجه دلیل آن نیز نشویم.

مثل جنگل و دریا

۱۳ او به من پاسخ داد و گفت: من به جنگلی از درختان در جلگه رفتم، و آنها نقشه‌ای کشیدند ۱۴ و گفتند: بیا و به ما اجازه بده تا رفته و با دریا جنگ کنیم، تا اینکه در مقابل ما عقب نشینی کرده و این امکان را فراهم بسازد تا جنگل‌های بیشتری بسازیم. ۱۵ به همین ترتیب موج‌های دریا نیز نقشه‌ای کشیده و گفتند: بیا، و به ما اجازه بده بالا رفته و جنگل درختان جلگه را

تسخیر کنیم تا در آنجا نیز قلمروهای بیشتری را کسب کنیم. ۱۶ اما نقشه جنگل بیهوده بود، زیرا آتش آمد و تمامی جنگل را بلعیده و نابود کرد. ۱۷ به همین ترتیب نقشه امواج دریا نیز بیهوده بود، زیرا ماسه‌ها محکم ایستاده و راه آنرا مسدود کرده بودند. ۱۸ اگر اکنون بین آنها قاضی بودید، چه کسی را تبرئه می‌کردید، و کدام را محکوم می‌کردید؟

۱۹ پاسخ داده و گفتم: هر دو آنها نقشه احمقانه‌ای کشیدند، زیرا زمین به جنگل اختصاص یافته است، و دریا نیز مکانی برای ایجاد امواج هستند. ۲۰ او به من پاسخ داد و گفت: تو کاملاً درست قضاوت کرده‌ای، اما چرا در مورد خود چنین قضاوت نکردی؟ ۲۱ زیرا چنانچه زمین به جنگل و دریا به موجهایش واگذار شده است، بنابراین کسانی که بر روی زمین ساکن هستند نیز می‌توانند فقط آنچه را که بر روی زمین اتفاق می‌افتد درک کنند، و کسی که در بالاتر از آسمانها ساکن است می‌تواند آنچه را که بالاتر از آسمان است درک کند.

پایان دنیا

۲۲ سپس من پاسخ دادم و گفتم: ای سرورم، از تو تمنا دارم به من بگویید، پس چرا قدرت درک به من داده شده است؟ ۲۳ هدف من این نیست که درمورد رویدادهای آسمانی سؤال کنم، بلکه در مورد چیزهایی که روزانه تجربه می‌کنیم: چرا اسرائیل با خفت و خواری به سایر اقوام تسلیم شده است. چرا افرادی که شما آنها را دوست داشتید به قبایل بت پرست سپرده شده‌اند، و شریعت نیاکان ما نابود شده و عهدهای مکتوب دیگر هیچ مفهومی برای قوم تو ندارد؟ ۲۴ چرا ما در این دنیا مانند ملخ‌ها شده و زندگی ما مانند غبار است، و حتی دیگر شایسته رحمت نیز نیستیم؟ ۲۵ و او برای نام خود که ما را به آن فراخوانده است چه خواهد کرد؟ این چیزهایی است که من در مورد آنها سوال دارم.

۲۶ او به من پاسخ داد و گفت: اگر زنده باشید، خواهید دید، و اگر عمر طولانی داشته باشید، اغلب شگفت زده خواهید شد، زیرا دنیا به سرعت در حال به پایان رسیدن است. ۲۷ نمی‌توانید چیزهایی را که به صالحین وعده داده شده در موعد مقرر خود در این دنیا ببینید، زیرا این جهان پر از نکبت و اندوه و ضعف است. ۲۸ زیرا شرارت هر آنچه را که از من پرسیدی کاشته است، اما زمان درو آن هنوز فرا نرسیده است. ۲۹ از اینرو اگر هر آنچه که

کاشته شده است درو نشود، و مکانهایی که در آن شرارت کاشته شده است از بین نرود، مزارعی که در آن خوبی و نیکویی باید کاشته شود نخواهد آمد. ۳۰ زیرا یک دانه بذر شرور از ابتدا در قلب آدم کاشته شد، و چه مقدار شرارت تا به امروز ایجاد کرده است؛ و چقدر نیز تا زمان کوبیدن خرمن، تولید خواهد کرد! ۳۱ اکنون خودتان در نظر بگیرید که چه مقدار ثمره ظلم و بی عدالتی از یک دانه بذر شرور به وجود آمده است. ۳۲ هنگامی که یک چنین بذری بصورت غیر قابل شمارش کاشته شوند، پس کوبیدن یک چنین خرمنی نیز در روز دآوری، چقدر عظیم و مهیب خواهد بود!

زمان به پایان رسیدن دنیا

۳۳ سپس من پاسخ داده و گفتم: چه مدت طول خواهد کشید تا این اتفاقات رخ دهد؟ چرا عمر ما کوتاه و پر از شرارت است؟ ۳۴ او به من پاسخ داد و گفت: بیشتر از قادر متعال عجله نکنید. شما در واقع برای خودتان عجله دارید، اما عجله خدای تعالی بر اساس اهمیت به عده بسیار زیادی است. ۳۵ آیا روح و جان پرهیزکاران در اتاقهای^۱ خود در مورد این امور سؤال نکردند و نگفتند: ما تا کی باید در اینجا بمانیم؟ و چه وقت زمان برداشت پاداش ما فرا خواهد رسید؟ ۳۶ و اورینیل فرشته مقرب پاسخ داد و گفت: هنگامی که تعداد کسانی که مانند خود تو هستند به حد تعیین شده برسد؛ زیرا او این دوران را در تعادل مورد سنجش قرار داده است، ۳۷ او زمان را سنجیده و روزها را شمرده است؛ و تا زمانی که این معیار، مسیر از پیش تعیین شده خود را طی نکند، هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد.

۳۸ سپس من پاسخ داده و گفتم، اما ای خدای مقتدر، همه ما پر از شرارت هستیم. ۳۹ شاید این به خاطر ماست که زمان دآوری برای صالحین به تأخیر می افتد؛ و همچنین به خاطر گناهان کسانی که در زمین ساکن هستند. ۴۰ او به من پاسخ داد و گفت: برو و از یک زن باردار سؤال کن که چه هنگام^۲ ماه بارداری او به پایان می رسد، آیا رحم او بیشتر از این می تواند چنین را در درون خود نگه دارد.

۱ - باور بر این بود که روح صالحان پس از مرگ در دنیای مردگان در داخل حجره ها یا اتاقهایی باقی می ماند تا روز دآوری فرا برسد.

۴۱ و گفتم: خیر سرورم، نمی‌تواند.

او به من گفت، در حادثه^۲ اتاقهای روح مانند رحم هستند. ۴۲ زیرا همانطور که زنی که در حال زایمان است، برای فرار از دردهای سخت زایمان عجله می‌کند، این مکان‌ها نیز عجله دارند تا روحهایی را که از ابتدای آفرینش به آنها سپرده شده است، دوباره باز گردانند. ۴۳ آنگاه چیزهایی را که تو مشتاق دیدن آنها هستی، بر تو مکتشف و آشکار خواهد شد.

۴۴ پاسخ دادم و گفتم: اگر در نظر شما لطف پیدا کردم و اگر ممکن است و اگر چنانچه شایسته هستم، ۴۵ این را نیز به من نشان دهید: آیا زمان بیشتری از آنچه گذشته است به پایان دنیا باقی مانده است یا اینکه زمان بیشتر آن برای ما گذشته است؟ ۴۶ زیرا آنچه را که گذشته است می‌دانم اما نمی‌دانم چه خواهد آمد.

۴۷ او به من گفت: در سمت راست من بایست و من تفسیر یک مثل را به تو نشان خواهم داد.

۴۸ از اینرو من ایستادم و نگاه کردم، و وای که یک کوره با شعله سوزان از جلوی من گذشت، و هنگامی که شعله می‌گذشت، نگاه کردم و تنها دود باقی مانده بود. ۴۹ و بعد از این یک ابر پر از آب از پیش روی من گذشت و باران تند و شدیدی را فرو ریخت و وقتی طوفان شدید باران گذشت، هنوز قطرات آب در ابر باقی مانده بود.

۵۰ او به من گفت، این را چنین در نظر بگیر. زیرا همانطور که باران بیشتر از چند قطره است و آتش از دود بیشتر است، بنابراین مقداری زمانی که گذشته است بسیار بیشتر است. اما قطرات و دود باقی ماندند؛ پس زمان باقی مانده بسیار کوتاه است.

۵۱ سپس دعا کردم و گفتم: فکر می‌کنی تا آن روزها زندگی خواهم کرد؟ یا چه کسی در آن روزها زنده خواهد بود؟

۵۲ او به من پاسخ داد و گفت: در مورد نشانه‌هایی که از من سؤال می‌کنید، می‌توانم تا حدودی به شما بگویم. اما من فرستاده نشده‌ام تا در مورد زندگی تو به تو بگویم، زیرا نمی‌دانم.

۲ - به دنیای مردگان در زیر زمین حادث گفته می‌شود، یا به مفهومی دیگر می‌توان آنرا برزخ دانست.

نشانه‌های پایان دنیا

۵ اکنون در مورد علائم: روزهایی فرا می‌رسد که تمامی ساکنان زمین با وحشت فراوان دچار حیرت و آشفتگی می‌شوند؛ و راه حقیقت پنهان و زمین تهی از ایمان خواهد شد. ۲ ناصالحان فراتر از هر آنچه خواهند شد که اکنون خود شما می‌بینید، و فراتر از هر آنچه که از گذشتگان شنیده‌اید. ۳ و سرزمینی که اکنون می‌بینید بر جهان حاکم است، چنان به ویرانه غیر قابل شناختی تبدیل خواهد شد که دیگر کسی بر آن قدم نخواهد گذاشت. ۴ اما اگر قادر متعال به شما عمر عطا کند، خواهید دید که زمان پس از دوره سوم به اغتشاش خواهد افتاد.

۵ و خورشید ناگهان در شب می‌درخشد، و ماه در طول روز.

از درختان خون می‌چکد،

و سنگ به سخن در خواهد آمد.

مردم دچار آشفتگی خواهند شد،

و مسیر حرکت ستارگان تغییر خواهد کرد.

۶ و کسی پادشاهی خواهد کرد که هیچ یک از ساکنان زمین انتظار آنرا ندارند و پرندگان نیز با هم مهاجرت خواهند کرد. ۷ و ماهیان از دریای مرده^۱ محو خواهند شد. و کسی که خیلی‌ها آنرا نمی‌شناسند، صدایش در شب شنیده می‌شود و همه صدای او را می‌شنوند. ۸ در بسیاری از مناطق هرج و مرج و آشوب رخ خواهد داد، غالباً آتش سوزی می‌شود، حیوانات وحشی فراتر از قلمرو خود خواهند رفت. و زنان در دوران عادت ماهانه خود، هیولا به دنیا می‌آورند. ۹ آب شور در منابع آب شیرین یافت می‌شود؛ و دوستان در همه جا شروع به نزاع با یکدیگر خواهند کرد. عقل از نظر ناپدید شده، و حکمت به جره خود باز خواهد گشت؛ ۱۰ بسیاری به جستجوی آن خواهند پرداخت، اما آنرا نخواهند یافت؛ و بی عدالتی و بی بند و باری بر روی زمین افزایش خواهد یافت. ۱۱ یک کشور باید از همسایه خود سؤال کند، آیا عدالت، یا کسی که درستکار است، از کشور شما عبور کرده است؟ و پاسخ

۱ - در برخی از ترجمه‌ها دریای سدوم ذکر شده است.

خواهد شنید، نه. ۱۲ در آن زمان مردم باید امیدوار باشند، اما آنچه را که می‌خواهند به دست نخواهند آورد. آنها تلاش خواهند کرد، اما راههای آنها با موفقیت و پیشرفت همراه نخواهد بود. ۱۳ اینها نشانه‌هایی هستند که من مجاز هستم به تو بگویم، و اگر دوباره دعا کرده و مانند امروز اشک بریزید و هفت روز هم روزه بگیرید، چیزهای بزرگتر از اینرا نیز خواهید شنید.

خاتمه رؤیا

۱۴ سپس بیدار شدم، و بدنم به شدت می‌لرزید و روحم چنان مضطرب شده بود که از حال رفتم. ۱۵ اما فرشته‌ای که آمده بود، با من صحبت کرد و مرا سرپا نگه داشت و به من قوت قلب داده و بر روی پای خودش نشاند. ۱۶ در شب دوم، فُلْطِیْل یکی از سران قوم به نزد من آمد و گفت: کجا بودی، و چرا صورتت ناراحت است؟ ۱۷ آیا نمی‌دانی که اسرائیل در سرزمین تبعید به دست شما سپرده شده است؟ ۱۸ پس برخیز و نان بخور و مانند شبانی که گله را به چنگ گرگهای وحشی می‌سپارد، ما را به حال خود رها نکن. ۱۹ سپس به او گفتم: از من دور شو و به مدت هفت روز نزد من نیایید؛ اما پس از این مدت می‌توانید بیایید.

او آنچه را که گفتم شنید و مرا به حال خودم رها کرد. ۲۰ بنابراین هفت روز روزه گرفتم، به سوگ نشسته و اشک ریختم، درست همانطور که اوریئیل فرشته به من دستور داده بود.

رؤیای دوم

۲۱ بعد از گذشت هفت روز، افکارم دوباره قلب مرا به درد می‌آورد. ۲۲ آنگاه جان من، روح فهم را در من بهبود بخشید، و من بار دیگر شروع به گفتن سخنان خود در نزد خداوند متعال کردم. ۲۳ گفتم: ای خداوند مقتدر، از هر جنگل روی زمین و از میان تمام درختان آن، فقط یک تاک را انتخاب کرده‌ای، ۲۴ و از تمام سرزمینهای جهان فقط یک قلمرو را برای خود انتخاب کرده‌ای، و از همه گلهای دنیا، صرفاً یک گل نیلوفر را برای خود انتخاب کرده‌ای، ۲۵ و از تمامی اعماق دریا فقط یک رودخانه را برای خود پُر کرده‌ای، و از میان تمام شهرهایی که ساخته شده است، تو صهیون را برای خود تقدیس کرده‌ای، ۲۶ و از همه پرندگانی که آفریده شده‌اند، تو فقط یک کبوتر را برای خود نامگذاری کرده‌ای و از بین همه گله‌های موجود، تو

برای خود تنها یک گوسفند فراهم کرده‌ای، ۲۷ و از میان تمامی اقوام زمین، تو تنها این یک قوم را برای خود برگزیده‌ای، و به این قومی که محبت داری، شریعتی را عطا کردی که مورد تایید همه است. ۲۸ و اکنون، ای خداوند، چرا این یکی را به دست بسیاری تسلیم کرده‌ای، و این یک ریشه را ورای دیگران تحقیر کرده‌ای، و تنها عزیز و یگانه خود را در بین بسیاری پراکنده ساخته‌ای؟ ۲۹ و آنهایی که وعده‌های تو را نادیده می‌گرفتند، کسانی را که به عهده‌های تو ایمان داشتند، پایمال نمودند. ۳۰ اگر واقعاً از قوم خود کراهت داری، باید آنها را به دست خودت مورد مجازات قرار دهی.

پاسخ به شکایات عزرا

۳۱ وقتی این سخنان را گفتم، فرشته‌ای که قبلاً به نزد من آمده بود، دوباره فرستاده شد. ۳۲ او به من گفت: به من گوش فرا ده و من به تو دستور خواهم داد. کاملاً به من توجه کن، و من به تو چیزهای بیشتر خواهم گفت. ۳۳ سپس من گفتم، سخن بگو، سرورم. و او به من گفت: آیا واقعاً برای اسرائیل بسیار ناراحت هستی؟ یا اینکه آنها بیشتر از سازنده‌اش دوست داری؟ ۳۴ گفتم: نه، سرورم، اما به خاطر غم و اندوه خودم صحبت کردم. در هر ساعت از درد و رنج قلبی خود در عذاب هستم، در حالی که می‌کوشم طریقه‌های خداوند متعال را بفهمم و حداقل قسمت کوچکی از دوری‌های او را درک کنم.

۳۵ او به من گفت، تو نمی‌توانی. و من گفتم: چرا نمی‌توانم، سرورم؟ پس چرا به دنیا آمده‌ام؟ یا اینکه چرا رحم مادرم به گور من تبدیل نشده است، تا اینکه من مصیبت یعقوب و فرسودگی قوم اسرائیل را نبینم؟

۳۶ او به من گفت: کسانی را که هنوز به دنیا نیامده‌اند برای من حساب کن و قطرات باران پراکنده را برای من جمع کن و گل‌های پژمرده را دوباره برای من شکوفا کن. ۳۷ حجره‌های بسته را برای من باز کرده و بادهایی را که در آنها محسور شده‌اند برای من بیاور؛ یا تصویر یک صدا را به من نشان بده. و سپس من درباره مصیبت قوم اسرائیل که برای درک آن درخواست کردی به تو توضیح خواهم داد.

۳۸ گفتم: ای خداوند مقتدر، چه کسی می‌تواند این چیزها را بجز او که محدود به این دنیای فانی نیست، بداند؟ ۳۹ از آنرو که من فاقد حکمت هستم، پس چگونه می‌توانم درباره چیزهایی که از من سوال کردید صحبت کنم؟

۴۰ او به من گفت، همانطور که تو نمی‌توانی هیچ یک از مواردی را که گفته شد انجام دهی، بنابراین نمی‌توانی دآوری مرا یا هدف محبتی را که به قوم خود وعده داده‌ام را کشف و درک کنی.

۴۱ گفتم: با این حال سرورم، شما به کسانی که در آخر دنیا زنده هستند اهمیت می‌دهید، اما در مورد آنهایی که قبل از من زندگی کرده‌اند، یا خود ما، و یا آنهایی که بعد از ما می‌آیند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

۴۲ او به من گفت، من دآوری خود را به یک دایره تشبیه می‌کنم؛ چنانچه در دایره هیچ اول و آخری وجود ندارد، همانطور برای آنهایی که آخرین هستند هیچ تاخیری وجود ندارد، و برای آنهایی که در مرحله اول هستند نیز هیچ عجله‌ای وجود ندارد.

۴۳ سپس من پاسخ دادم و گفتم: آیا شما نمی‌توانستید تمام کسانی را که بوده‌اند، و کسانی را که هستند و همچنین کسانی را که خواهند آمد، در یک زمان خلق کنید تا دآوری خود را زودتر به مرحله انجام برسانید؟

۴۴ او به من پاسخ داد و گفت: خلقت نمی‌تواند سریعتر از خالق حرکت کند، و نه جهان می‌تواند در یک زمان تمام کسانی را که در آن آفریده شده‌اند، نگه دارد.

۴۵ گفتم: پس چگونه می‌توانید به بنده خود بگویید که در آخر دنیا، به تمامی خلقت در یک زمان حیات خواهید داد؟ بنابراین اگر همه موجودات در یک زمان زندگی خواهند کرد و خلقت آنها را تحمل و حفظ خواهد کرد، پس این امکان وجود دارد که هم اکنون نیز بتوانید همه موجودات را بطور هم زمان حفظ کنید.

۴۶ او به من گفت، از رحم یک زن سؤال کن و به آن بگو: اگر ده فرزند به بار آورده‌ای، چرا این کار را یکی پس از دیگری کرده‌ای؟ پس از او درخواست کنید که هر ده تا را در یک زمان به بار بیاورد.

۴۷ گفتم، مطمئناً نمی‌تواند، بلکه فقط هر کدام را باید در زمان خاص خود به بار بیاورد.

۴۸ او به من گفت: حتی من نیز رحم زمین را به کسانی داده‌ام که به مرور زمان در آن تولید نسل می‌کنند. ۴۹ همانطور که کودکان نمی‌توانند صاحب اولاد شوند، و زنی که پیر می‌شود، دیگر فرزندی به دنیا نخواهد آورد، بنابراین من نیز برای جهانی که آفریده‌ام، همان قانون را وضع کردم.

۵۰ سپس سؤال کردم و گفتم: از آنجا که اکنون به من فرصت داده‌اید،

بگذارید قبل از شما صحبت کنم. آیا مادر ما، که شما به من گفته‌اید، هنوز جوان است؟ یا اکنون او به سن پیری نزدیک شده است؟

۵۱ او به من پاسخ داد، از زنی که دارای فرزند است سوال کن، و او به تو خواهد گفت. ۵۲ به او بگویند، چرا آنهایی را که به تازگی به دنیا آورده‌ای، مانند آنانی نیستند که قبلاً به دنیا آورده‌ای؛ چنانچه از نظر قد کوتاهتر هستند؟

۵۳ و خود او به تو جواب خواهد داد: کسانی که در دوران قوت جوانی به دنیا می‌آیند با کسانی که در دوران پیری که رحم ضعیف است به دنیا آمده‌اند متفاوت هستند. ۵۴ بنابراین باید توجه داشته باشید که شما و معاصرانتان از نظر قد کوتاهتر از آنهایی هستید که قبل از شما بدنیا آمدند. ۵۵ و کسانی که بعد از شما به دنیا می‌آیند از نظر قد از شما کوتاهتر خواهند بود؛ که نشان می‌دهد آفرینش پیر شده و قدرت جوانی را پشت سر می‌گذارد.

۵۶ گفتم: سرورم، از شما خواهش می‌کنم، اگر در نظر شما مورد التفات قرار گرفته‌ام، به بنده خود نشان دهید که از طریق چه کسی داوری را بر آفرینش خود نازل خواهید کرد.

۶ ۱ او به من گفت: در آغاز آفرینش کره زمین، قبل از اینکه دروازه‌های جهان در جای خود قرار بگیرند، و قبل از اینکه وزش بادهای شکل بگیرند، ۲ و پیش از آنکه صدای رعد به گوش برسد و پیش از آنکه برق آذرخش به درخشش درآید، و قبل از اینکه بنیاد آسمان گذاشته شود، ۳ و قبل از آنکه گل‌های زیبا دیده شود، و قبل از اینکه قدرت حرکت اجرام مقرر شود، و پیش از آنکه تعداد بیشماری از لشکر فرشتگان به گرد هم آیند، ۴ و قبل از اینکه هوا در ارتفاعات آسمان بالا برده شود و قبل از آنکه تقسیمات افلاک نامگذاری شود، و قبل از اینکه صهیون به عنوان محل سکونت من برقرار شود، ۵ قبل از اینکه عصر حاضر برنامه ریزی شود؛ و پیش از اینکه تصورات آنانی که اکنون گناه می‌کنند شکل گرفته باشد؛ و قبل از اینکه مَهر من بر کسانی قرار گیرد که ایمان خود را مانند یک گنج حفظ کرده‌اند؛ ۶ من تمامی این موارد را برنامه ریزی کرده بودم، و آنها تنها از طریق من شکل گرفتند و نه از طریق دیگری. درست همانطور که پایان همه چیزها فقط از طریق من ممکن خواهد بود و نه از طریق دیگری.

تقسیم زمانها

۷ جواب دادم و گفتم: تقسیم زمانها چگونه خواهد بود؟ یا پایان دوران اول و آغاز دورانی که به دنبال آن خواهد آمد، چه وقت خواهد بود؟

۸ او به من گفت: از ابراهیم تا اسحاق، زیرا از او یعقوب و عیسو به دنیا آمدند، زیرا دست یعقوب از ابتدا پاشنه عیسو را نگه داشت. ۹ اکنون عیسو پایان این عصر است و یعقوب آغاز دورانی است که به دنبال آن خواهد آمد. ۱۰ آغاز شخص دست است و انتهای او پاشنه پا است؛ ای عزرا، به دنبال

چیز دیگری بین پاشنه و دست نیستی!

۱۱ جواب دادم و گفتم: ای خداوند مقتدر، اگر در نگاه شما مورد لطف قرار گرفته‌ام، ۱۲ به بنده خود نشانه‌هایی از آخرین علائم پایان دنیا را نشان دهید که قسمتهایی از آنرا شب قبل به من نشان دادید.

۱۳ او پاسخ داد و به من گفت: بر روی پاهای خود برخیز و صدای کاملاً رسایی را خواهی شنید. ۱۴ و هنگامی که صدا به سخن می‌آید، اگر محلی که در آن ایستاده‌ای به شدت تکان خورد؛ ۱۵ وحشت زده و مضطرب نشو، زیرا این جملات مربوط به پایان دنیا می‌شود، و ستونهای زمین این نکته را می‌دانند؛ ۱۶ که گفتار به آنها مربوط می‌شود. آنها مرتعش و متزلزل می‌شوند، زیرا می‌دانند که وقتی پایان دنیا فرا برسد، دچار تغییر خواهند شد.

۱۷ وقتی این را شنیدم، به روی پاهایم بلند شدم و گوش کردم؛ صدایی در حال صحبت کردن بود، و صدای آن مانند غرش آبهای پُر قدرت بود. ۱۸ گفتم: روزهایی فرا می‌رسد که دور نیست و من برای دآوری ساکنان زمین به ملاقات آنها می‌روم، ۱۹ و من کسانی را که سایرین را با بی عدالتی خود و به ناحق آزار داده‌اند مجازات خواهم کرد، و آنگاه تحقیر صهیون نیز به پایان خواهد رسید. ۲۰ وقتی مُهر بر روی دورانی که گذشته است قرار گیرد، آنگاه من این علائم را نشان خواهم داد: کتاب‌ها بر پهنه آسمان باز می‌شوند و همه دآوری مرا با هم خواهند دید. ۲۱ کودک یک ساله با صدای خودش صحبت می‌کند، و زنان باردار در ماه سوم و چهارم بارداری، کودکان نارس به دنیا می‌آورند و آنها زندگی و جست و خیز خواهند کرد. ۲۲ مکان‌های کاشته شده ناگهان از محصول تهی می‌شوند و انبارها کاملاً و بطور ناگهانی خالی می‌شوند. ۲۳ شیپور با صدای بلند نواخته می‌شود و

وقتی همه آن را شنیدند، ناگهان وحشت خواهند کرد. ۲۴ در آن زمان مردم با دوستانشان به مانند دشمنان خود به جنگ برخوانند خاست، زمین و تمامی ساکنان آن، مضطرب و وحشت زده خواهند شد؛ نه‌رهایی که هنوز باقی مانده‌اند، برای مدت سه ساعت از حرکت باز خواهند ایستاد.

۲۵ اینگونه خواهد بود که چنانچه هر کس پس از همه چیزهایی که برای تو پیشگویی کرده‌ام نجات یابد، آنگاه نجات مرا و پایان جهان مرا خواهد دید. ۲۶ و آنها کسانی را خواهند دید که به آسمان بالا برده می‌شوند و از ابتدای تولد خود، طعم مرگ را نخواهند چشید. و قلب ساکنان زمین تغییر یافته و به روحی متفاوت تبدیل می‌شود. ۲۷ زیرا شرارت محو شده و فریبکاری فرو نشانده خواهد شد. ۲۸ وفاداری شکوفا می‌شود، و فساد مغلوب خواهد شد، و حقیقت که برای یک مدت زمان طولانی بدون ثمر بوده است، به میوه خواهد نشست.

۲۹ در حالی که او با من صحبت می‌کرد، کم کم جایی که من در آن ایستاده بودم، شروع به متزلزل شدن کرد. ۳۰ و او به من گفت: من آمده‌ام تا امشب این چیزها را به تو نشان دهم. ۳۱ بنابراین اگر دوباره شروع به دعا کرده و برای مدت هفت روز دیگر روزه بگیری، من چیزهایی بزرگتر از اینها به تو خواهم گفت، ۳۲ زیرا صدای تو قطعاً توسط قادر متعال شنیده شده است؛ زیرا خداوند توانا پارسایی تو را دیده است و همچنین پاکی را که از جوانی در حفظ آن کوشش کرده‌ای، مشاهده کرده است. ۳۳ بنابراین او مرا فرستاد تا همه این چیزها را به تو نشان داده و بگویم: ایمان داشته باش و نترس! ۳۴ با عجله و بدون فکر درباره زمانهای گذشته سوال بیهوده نکن؛ آنگاه مجبور نخواهی شد که در لحظات آخر عجلانه عمل کنی.

رؤیای سوم

۳۵ پس از این، من دوباره گریه کردم و هفت روز مانند دوره قبل روزه گرفتم تا سه هفته‌ای را که برای من در نظر گرفته شده بود به اتمام برسانم. ۳۶ سپس در شب هشتم، قلبم دوباره در درونم مضطرب بود و من در حضور خدای متعال شروع به صحبت کردم. ۳۷ روح من به شدت برانگیخته شده بود، و جان من در پریشانی بود.

۳۸ گفتم: ای خداوند، تو در ابتدای خلقت و در روز اول چنین سخن گفتی: بگذار آسمان و زمین ساخته شود و کلام تو این کار را به انجام رساند. ۳۹

سپس روح به حرکت در آمد و تاریکی و سکوت همه چیز را در بر گرفته بود؛ و هنوز صدای هیچ انسانی به گوش نمی‌رسید. ۴۰ آنگاه فرمان دادی که پرتوی از نور از مخازن خود بیرون بیاید تا عمل دست تو دیده شود. ۴۱ دوباره در روز دوم، تو روح افلاک^۱ را خلق کردی و به آن فرمان دادی که آنها را تقسیم و از هم جدا کند، تا یک قسمت از آن به سمت بالا حرکت کرده و قسمت دیگر در زیر آن بماند.

۴۲ روز سوم تو فرمان دادی، که آنها در یک مکان جمع شده و یک هفتم زمین را بپوشاند. شش قسمت دیگر زمین را خشک و جدا کردی، به گونه‌ای که در برخی از آنها کشت و کاشت شود و در خدمت تو باشند. ۴۳ زیرا کلامی که از دهان تو بیرون می‌آید بدون درنگ، خواست تو را به انجام می‌رساند. ۴۴ بلافاصله میوه‌ها در انواع گوناگون و با طعم‌های متنوع به ثمر نشستند؛ و گل‌هایی با رنگ بی نظیر و رایحه‌های معطر و غیر قابل توصیف شکوفا شدند. تمامی این کارها در روز سوم انجام شد.

۴۵ در روز چهارم تو به روشنایی خورشید، نور ماه و ترتیب ستارگان فرمان دادی که به وجود آمده و شکل بگیرند. ۴۶ و به آنها دستور دادی که در خدمت نژاد بشر که قرار بود خلق شود باشند.

۴۷ در روز پنجم تو به قسمت هفتم، که آب در آن جمع شده بود، فرمان دادی تا موجودات زنده، پرندگان و ماهی‌ها را در خود پرورش دهند. و به همین ترتیب نیز انجام شد. ۴۸ آب خاموش و فاقد حیات، موجودات زنده را همانطور که فرمان داده شد، به وجود آوردند تا ملت‌ها عمل شگفت انگیز دست تو را بازگو کنند.

۴۹ سپس دو موجود زنده را مشخص کردی؛ یکی را بهیموت و دیگری را لویاتان نامیدی. ۵۰ و آنها را از یکدیگر جدا ساختی، زیرا یک هفتم زمین که آب در آن جمع شده بود، نمی‌توانست هر دو را در خود نگه دارد. ۵۱ و بهیموت را به یکی از قسمت‌هایی که روز سوم خشک شده بود، فرستادی تا در آن زندگی کند، جایی که هزار کوه در آنجا بود. ۵۲ اما هفتمین قسمت را که پر از آب بود، به لویاتان بخشیدی. و آنها را نگه داشتی تا در زمان مورد نظر تو، و توسط کسی که مورد علاقه توست خورده شوند.

۵۳ در روز ششم تو به زمین دستور دادی که احشام، حیوانات وحشی و

جانوران خزننده را بوجود بیاورد. ۵۴ و بالاتر از همه اینها، آدم را قرار دادی تا بر تمام خلقت تو، حکمروایی کند. و همه ما از او بوجود آمده‌ایم، قومی که تو آنرا برای خود انتخاب کرده‌ای.

۵۵ ای خداوند، همه این چیزهایی را که در حضور تو بر زبان آوردم، به این دلیل است که تو گفته‌ای، این جهان را بخاطر ما آفریده‌ای. ۵۶ در مورد سایر اقوام که از نسل آدم بوجود آمده‌اند، تو گفتی که آنها هیچ هستند. و اینکه آنها مانند آب دهان هستند، و تعداد آنها را با یک قطره از ظرف آب مقایسه کردی. ۵۷ و اکنون، ای خداوند، این اقوام، که به هیچ وجه مشهور هم نیستند، بر ما مسلط هستند و ما را بلعیده و فرو می‌برند. ۵۸ اما ما که قوم تو هستیم، و تو ما را نخست زاده خود خوانده‌ای، تنها فرزند و تنها شاهد تو، قومی که برای تو غیرت دارند، و عزیز تو هستند؛ به دست سایر اقوام سپرده شده‌اند. ۵۹ اگر جهان برای ما آفریده شده است، چرا ما جهان خود را به عنوان یک میراث در اختیار نداریم؟ تا به کی این چنین خواهد بود؟

پاسخ به عزرا

۱ وقتی این سخنان را تمام کردم، فرشته‌ای که شب‌های گذشته برای پاسخ به من فرستاده شده بود، دوباره فرستاده شد. ۲ او به من گفت، برخیز عزرا، و به حرفهایی که آمدم تا در مورد آنها با تو صحبت کنم گوش کن.

۳ گفتم، سخن بگو، سرورم. و او به من گفت: دریایی وجود دارد که پهنه گسترده‌ای را فرا گرفته، و از اینرو وسیع و عمیق است. ۴ اما تنها یک راه باریک برای ورود به آن وجود دارد؛ راهی که مثل رودخانه است. ۵ حال اگر کسانی که مایل به رسیدن به دریا هستند، تا به آن نگاه کرده یا بر آن تسلط داشته باشند، چگونه می‌توانند به این پهنه وسیع بیایند مگر اینکه از قسمت باریک عبور کنند؟ ۶ مثال دیگر: شهری است که در دشتی وسیع بنا شده، و سرشار از همه چیزهای خوب است. ۷ اما راه ورود به آن باریک است و در یک مکان سراشیایی و رسوبی قرار گرفته است، به طوری که در سمت راست آن آتش زبانه می‌کشد و سمت چپ آنرا نیز آب عمیقی پوشانده است. ۸ فقط یک مسیر برای رسیدن به شهر وجود دارد که بین آتش و آب قرار گرفته، و فقط هم یک نفر می‌تواند از این مسیر عبور کند. ۹ اگر اکنون شهر به عنوان میراث به کسی داده شود، وارث به غیر از عبور از

مسیر خطرناکی که تعیین شده است، چگونه می‌تواند میراث خود را دریافت کند؟

۱۰ گفتم: درست است، سرورم. او به من گفت: بنابراین تقدیر اسرائیل نیز چنین است. ۱۱ زیرا من به خاطر آنها دنیا را ساختم و هنگامی که آدم قوانین من را نقض کرد، آنچه ساخته شده بود در زیر دآوری قرار گرفت. ۱۲ و بدین ترتیب ورودی‌های این دنیا، باریک، درد آور و اندوهبار ساخته شدند. آنها اندک و بد، پر از خطرات و درگیر مشکلات و سختی هستند. ۱۳ اما ورودی‌های دنیای بزرگتر عریض و بی خطر هستند و به حیات ابدی ختم می‌شود. ۱۴ بنابراین اگر کسانی که زندگی می‌کنند، از این تجربیات دشوار و بیهوده عبور نکنند، هرگز نمی‌توانند چیزهایی را که برای آنها در نظر گرفته شده است، دریافت کنند. ۱۵ پس چرا از اینکه فانی هستی و روزی از بین رفته و خواهی مُرد، ناراحت هستی؟ ۱۶ چرا تو ذهن خود را به جای آنچه که اکنون وجود دارد، بیشتر معطوف به آنچه که خواهد آمد نمی‌کنی؟

سرنوشت ستمکاران

۱۷ سپس پاسخ دادم و گفتم: ای خداوند مقتدر، تو در احکام خود مقرر کردی که صالحین وارث این چیزها خواهند شد، اما ستمکاران از بین خواهند رفت. ۱۸ بنابراین، صالحین می‌توانند بر شرایط سخت غالب شوند، در حالی که امیدوار به شرایط بهتر هستند. اما کسانی که مرتکب شرارت می‌شوند، نه تنها در شرایط سخت متحمل رنج می‌شوند بلکه هرگز شرایط بهتر را نیز نخواهند دید.

۱۹ او به من گفت، تو در دآوری بهتر از خداوند یا خردمندتر از قادر متعال نیستی! ۲۰ بهتر است بسیاری از کسانی که اکنون زندگی می‌کنند هلاک شوند، تا اینکه احکام خدا را که در پیش روی آنها قرار گرفته، نادیده بگیرند! ۲۱ زیرا خداوند به تمام کسانی که به این دنیا آمده‌اند، فرمان داد که در دوران زندگی خود چه کارهایی را باید انجام دهند؛ و آنچه را که رعایت می‌کنند برای جلوگیری از مجازات خود آنهاست. ۲۲ با این وجود آنها سرپیچی کرده و علیه خود او سخن گفتند؛ آنها ذهن خود را با افکار بیهوده پُر کردند.

۲۳ آنها به دنبال اعمال شریرانه و نقشه‌های فریبکارانه خود بودند؛ حتی اعلام کردند که قادر متعال وجود ندارد، و راههای او را نادیده گرفتند. ۲۴

آنها احکام او را حقیر شمرده و عهد او را انکار کردند؛ آنها نسبت به قوانین او وفادار نبودند، و کارهایی را که او مقرر کرده بود انجام ندادند. ۲۵ ای عزرا، به همین دلیل است، که چیزهای تهی برای تهی است، و چیزهای کامل برای کامل است.

۲۶ در واقع زمانی فرا خواهد رسید، که علائمی را که قبلاً برای تو پیشگویی کرده‌ام، به وقوع خواهد پیوست، و شهری که اکنون قابل دیدن نیست پدیدار می‌شود، و زمینی که اکنون پنهان شده است، آشکار می‌شود. ۲۷ هر کس که از شرارت‌هایی که پیش بینی کرده‌ام نجات یافته باشد، اعمال شگفت انگیز مرا خواهد دید. ۲۸ زیرا که پسر مسیح با کسانی که با او هستند، ظهور کرده و کسانی که باقی می‌مانند چهارصد سال شاد خواهند شد. ۲۹ پس از آن سالها، پسر من مسیح به همراه تمام مخلوقات انسانی خواهد مُرد. ۳۰ آنگاه جهان به مدت هفت روز به سکوت اولیه خود باز خواهد گشت، همانطور که در ابتدا این چنین بود، تا هیچ کس دیگری زنده نماند. ۳۱ پس از هفت روز، دنیایی که هنوز بیدار نشده است، از خواب برخاست، و آنچه که فساد پذیر است، از بین خواهد رفت. ۳۲ زمین کسانی را که در آن خوابیده‌اند، و خاک انانی را که در سکوت در آنجا آرمیده‌اند، و حجره‌ها روح‌هایی را که به آنها سپرده شده است، رها خواهند نمود. ۳۳ قادر متعال در صندلی دآوری خود جلوس خواهد کرد، و شفقت از بین رفته و دیگر جایی برای صبر باقی نمی‌ماند. ۳۴ فقط دآوری باقی می‌ماند، حقیقت در جایگاه خود می‌ایستد و ایمان و وفاداری در قدرت خود ظاهر خواهد شد. ۳۵ جزا و عقوبت برقرار شده و پاداش حاصل می‌شود. اعمال صالح بیدار شده و اعمال ظالم نادیده گرفته نمی‌شوند. ۳۶ دریاچه عذاب ظاهر می‌شود و در مقابل آن محل آرامی نیز برقرار می‌شود. کوره جهنم پدیدار شده و در مقابل آن بهشت خوشایند قرار خواهد گرفت. ۳۷ سپس قادر متعال به قوم‌هایی که از مردگان قیام کرده‌اند می‌گوید: اکنون نگاه کنید و ببینید که چه کسی را انکار کرده‌اید، به چه کسی خدمت نکرده و احکام او را نادیده گرفته‌اید. ۳۸ به این طرف و آن طرف دیگر نگاه کنید؛ در یک طرف آتش و عذاب و در سوی دیگر شادی و آرامی برقرار است. ۳۹ بدینسان او در روز دآوری با آنها صحبت خواهد کرد. ۳۹ در روزی که دیگر خورشید و ماه یا ستارگان وجود ندارند، ۴۰ یا ابر، رعد و برق، یا باد یا آب یا هوا، یا تاریکی یا صبح یا شب، ۴۱ یا تابستان یا بهار یا گرما یا زمستان یا یخبندان یا سرما،

یا تگرگ یا باران یا شبنم، ۴۲ یا ظهر یا شب، یا سپیده دم یا درخشش یا روشنایی یا نور دیگر وجود ندارد، آنگاه فقط توسط جلال قادر متعال است که همه هر آنچه را که تقدیر شده است خواهند دید. ۴۳ به نظر می‌رسد که این ایام به مدت یک هفته از سال طول خواهد کشید. ۴۴ این دآوری من، و ترتیبی است که برای انجام آن مقدر شده است؛ و تمامی این چیزها را تنها به تو نشان داده‌ام.

تعداد اندک نجات یافتگان

۴۵ پاسخ داده و گفتم: ای خداوند مقتدر، من قبلاً گفتم و اکنون نیز می‌گویم: خوشا به حال کسانی که زنده هستند و به احکام تو عمل می‌کنند! ۴۶ اما در مورد کسانی که من برای آنها دعا کرده‌ام چه اتفاقی خواهد افتاد؟ چه کسی در میان زندگان وجود دارد که گناه نکرده باشد، یا چه کسی در بین انسانهای فانی وجود دارد که عهد تو را نقض نکرده باشد؟ ۴۷ و اکنون می‌بینم که جهان در آینده برای عده بسیار کمی خوشایند خواهد بود، اما سبب عذاب بسیاری خواهد شد. ۴۸ زیرا قلب شریر در درون ما رشد کرده است، چنانچه ما را نسبت به خدا بیگانه نموده و به فساد و راههای مرگ کشانده است، و راههای هلاکت را به ما نشان داده و ما را از حیات دور کرده است. و این نه فقط برای تعدادی معدود، بلکه تقریباً همه خلقت را در بر گرفته است.

۴۹ او به من پاسخ داد و گفت: عزرا به من گوش کن، و من به تو تعلیم داده و یک بار دیگر به تو اندرز خواهم داد. ۵۰ به همین دلیل است که خداوند متعال نه یک جهان بلکه دو جهان ساخته است. ۵۱ از آنجا که تو گفتی صالحان زیاد نیستند بلکه تعداد اندکی هستند، در حالی که تعداد ناصالحان بسیار زیاد است، پس به توضیحات مربوط به این موضوع خوب دقت کن. ۵۲ اگر تو فقط چند سنگ قیمتی داشتی، آیا سرب و خاک رس به آنها اضافه می‌کردی؟ ۵۳ گفتم: خداوند، چگونه چنین چیزی امکان دارد؟

۵۴ و به من گفت، نه تنها این، بلکه از زمین بخواه و او به تو خواهد گفت. با فروتنی از او درخواست کن، و او آن را به تو اعلام خواهد کرد. ۵۵ به او بگو: تو طلا، نقره و برنز و همچنین آهن و سرب و خاک رس تولید می‌کنی. ۵۶ اما نقره از طلا و برنز از نقره و آهن از برنز و سرب نسبت به آهن و خاک رس نسبت به سرب بیشتر است. ۵۷ حالا خودت قضاوت کن، چیزهای با ارزش و مطلوب از موارد فراوان یا از موارد نادر هستند؟

۵۸ گفتم: ای خداوند مقتدر، آنچه فراوان است ارزش کمتری دارد، زیرا آنچه نادر است، گرانبها‌تر است.

۵۹ او به من پاسخ داد و گفت: اگر پیش خودت کمی منطقی فکر کنی، خواهی دید وقتی کسی به سختی چیزی را به دست می‌آورد از آن بیشتر لذت می‌برد، تا کسی که چیزهای فراوان دارد. ۶۰ این همانند داوری است که وعده آنرا داده‌ام و فرا خواهد رسید؛ زیرا من از معدود کسانی که نجات خواهند یافت خوشحال می‌شوم، زیرا اینها تنها کسانی هستند که سبب پیروزی جلال من شدند و از طریق آنهاست که اکنون نام من مورد تجلیل قرار گرفته است. ۶۱ من از تعداد کثیری که هلاک می‌شوند اندوهگین نخواهم شد. زیرا اینها اکنون مانند مه و شبیه شعله و دود هستند. آنها به آتش انداخته می‌شوند و شعله ور شده و سپس خاموش می‌شوند.

سوگواری عزرا

۶۲ پاسخ دادم و گفتم: ای زمین، چه چیزی به عمل آورده‌ای؟ اگر ذهن نیز مانند سایر چیزها از گرد و غبار ساخته شده باشد ۶۳ بهتر این بود که خود گرد و غبار هرگز پا به این دنیا نمی‌گذاشت، تا ذهن انسان از آن ساخته نشود. ۶۴ اما اکنون ذهن با ما رشد می‌کند، از اینرو دچار عذاب می‌شویم، زیرا هلاک می‌شویم و از آن آگاه هستیم. ۶۵ بگذار نسل بشر سوگوار باشد، اما حیوانات وحشی مزرعه را شاد کنید. بگذار همه کسانی که متولد شده‌اند، سوگوار شوند، اما اجازه دهید احشام و گله‌ها شاد باشند. ۶۶ این برای آنها بسیار بهتر از ماست؛ زیرا آنها منتظر داوری نیستند و از هیچ عذاب و نجات وعده داده شده پس از مرگ خبر ندارند. ۶۷ چه فایده‌ای برای ما دارد که زنده باشیم اما به طرز وحشیانه‌ای عذاب داده شویم؟ ۶۸ زیرا همه کسانی که متولد شده‌اند، پر از شرارت و گرفتار گناه هستند و پوشیده از عصیان شده‌اند. ۶۹ و اگر بعد از مرگ مورد داوری قرار نمی‌گرفتیم، شاید برای ما بهتر می‌شد.

۷۰ او به من پاسخ داد و گفت: هنگامی که قادر متعال جهان و آدم و همه مخلوقاتی را که متعلق به او هستند خلق کرد، او در ابتدا داوری و چیزهایی را که مربوط به آن می‌شود فراهم نمود. ۷۱ اما اکنون، از سخنان خود تو متوجه شدم، زیرا گفتم که ذهن با ما رشد می‌کند. ۷۲ بنابراین به همین دلیل است که کسانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند دچار عذاب

می‌شوند، زیرا هر چند آنها کاملاً می‌فهمند، اما باز هم مرتکب شرارت می‌شوند. و اگرچه آنها احکام الهی را دریافت کرده‌اند، اما از آنها پیروی نکردند؛ و گرچه آنها شریعت را به دست آوردند، اما نسبت به آن وفادار نبودند. ۷۳ پس آنها در روز داوری چه چیزی می‌توانند برای گفتن داشته باشند؛ یا در پایان دنیا چگونه پاسخ خواهند داد؟ ۷۴ تا به کی خداوند متعال نسبت به کسانی که در جهان سکونت دارند صبر داشته باشد؛ و این نه به خاطر آنها، بلکه بخاطر زمانی است که رویداد آن از پیش مقدر شده است.

وضعیت مردگان قبل از داوری

۷۵ پاسخ دادم و گفتم: ای خداوند، اگر امروز مورد لطف تو واقع شده‌ام، این را نیز به بنده خود نشان دهید: آیا بعد از مرگ، به محض اینکه همه ما روح خود را تسلیم می‌کنیم، تا زمان فرا رسیدن پایان دنیا و هنگامی که تو آفرینش را تجدید حیات خواهی نمود، در خواب خواهیم بود، یا اینکه به یکباره وارد دوران عذاب خواهیم شد؟

۷۶ او پاسخ داد و گفت: اینرا نیز به تو نشان خواهم داد، اما خود را از کسانی ندان که قوانین الهی را مورد تحقیر قرار داده‌اند، یا خود را از آنهایی که عذاب می‌کشند به حساب می‌آور. ۷۷ زیرا تو گنجینه‌ای از اعمال خود را در نزد قادر متعال ذخیره کرده‌ای، اما آنها تا زمان پایان دنیا به تو نشان داده خواهند شد. ۷۸ اکنون درمورد مرگ، این روند مقدر شده است: هنگامی که حکم قاطع از خداوند متعال صادر می‌شود که شخص خواهد مُرد، روح بدن را ترک می‌کند تا دوباره به نزد کسی باز گردد که که آنرا داده است، روح، اول از همه جلال خدای متعال را خواهد ستود. ۷۹ اگر یکی از کسانی باشد که اهانت کرده و راه خداوند متعال را حفظ نکرده باشد، و شریعت خدا را تحقیر کرده و از کسانی که از خدا می‌ترسند متغیر بوده باشد؛ ۸۰ برای یک چنین روحی جایی برای آرمیدن وجود ندارد، بلکه بلافاصله در عذاب سرگردان شده و همیشه در غم و اندوه بسر خواهند برد، آنها به هفت طریق دچار عذاب خواهند شد. ۸۱ طریق اول اینکه آنها احکام قادر متعال را نادیده گرفته‌اند. ۸۲ طریق دوم، آنها اکنون نمی‌توانند دست به توبه بزنند تا حیات داشته باشند. ۸۳ طریق سوم، آنها پاداش تعیین شده برای کسانی را خواهند دید که به عهد خداوند قادر اعتماد کرده بودند؛ ۸۴ طریق چهارم، آنها عذابی را که در روزهای آخر دنیا برای خودشان رقم خورده است را

مورد نظر قرار می‌دهند. ۸۵ طریق پنجم، آنها می‌بینند که چگونه دیگران از چنان آرامی عمیقی برخوردار هستند که توسط فرشتگان تداعی شده است. ۸۶ طریق ششم، آنها تشخیص می‌دهند که چگونه باید از این عذاب‌ها گذر کنند. ۸۷ طریق هفتم، که از همه راه‌های ذکر شده بدتر است، زیرا آنها در سرگشتگی و پریشانی به حال خود رها شده و در شرم و خجالت فرو می‌روند، و با دیدن شکوه و جلال قادر متعال دچار هراس می‌شوند؛ چنانچه آنها در زمانی که زنده بودند در حضور او مرتکب گناه شدند و اینک در آخر دنیا نیز باید در حضور او مورد داوری قرار بگیرند.

۸۸ اکنون این ترتیب روند مراحل کسانی است که در راه‌های قادر متعال گام برداشته و اینک از بدن فانی خود جدا شده‌اند. ۸۹ در حالی که وقتی در آن بدن فانی زندگی می‌کردند، با زحمت فراوان خداوند متعال را خدمت کردند. و در تمام لحظاتی که احکام الهی را کاملاً مراعات می‌کردند در معرض خطرات بسیار زیادی قرار می‌گرفتند. ۹۰ بنابراین این مراحل است که برای آنها در نظر گرفته شده است: ۹۱ اول از همه، آنها با شادی فراوان، جلال او را می‌بینند که آنها را پذیرفته است، آنها به هفت شکل مختلف آرامی خواهند یافت. ۹۲ مرحله اول، آنها تلاش زیادی کرده‌اند تا بر اندیشه شیطنانی که با آنها شکل گرفته است غلبه کنند، تا این امر نتواند آنها را گمراه کرده و از حیات به سمت مرگ سوق دهد. ۹۳ مرحله دوم، آنها نظاره گر آشفتگی خواهند بود که روح ناصالحان در آن سرگردان شده و منتظر مجازاتی هستند که در انتظار آنهاست. ۹۴ مرحله سوم، آنها شاهدانی را می‌بینند که او آنها را به وجود آورده است، تا در مورد آنها شهادت دهند، که در طول زندگی از احکام الهی که به آنها واگذار شده بود، با ایمان کامل پیروی کردند. ۹۵ مرحله چهارم، آنها آرامی را که اکنون از آن لذت می‌برند، کاملاً درک می‌کنند و در جبره‌های خود جمع شده و در سکوت عمیقی که توسط فرشتگان از آن محافظت می‌شود، منتظر جلال و شکوهی هستند که در روزهای آخر دنیا در انتظار آنهاست. ۹۶ مرحله پنجم، آنها خشنود هستند که اکنون از هر آنچه که فساد است رهایی یافته‌اند و وارث هر آنچه می‌شوند که خواهد آمد. علاوه بر این، آنها تنگناها و مشقتهایی را می‌بینند که از آن نجات یافته‌اند، و همچنین مکان وسیع دنیای جدید را می‌بینند که در انتظار آنهاست و تا ابد در آن لذت خواهند برد. ۹۷ مرحله ششم، هنگامی است که به آنها نشان داده می‌شود که صورت آنها مانند خورشید چگونه می‌درخشد،

و چگونه آنها مانند نور ستارگان خواهند شد که تا ابد از بین نروند. ۹۸ مرحله هفتم از هر آنچه که قبلاً ذکر شد بزرگتر است زیرا آنها بدون هیچ نگرانی، شاد خواهند بود و بدون آشفتگی اطمینان خواهند داشت و بدون هیچ گونه ترسی خوشحال خواهند بود، زیرا آنها به پیش می‌روند تا چهره کسی را ببینند که در زمان زندگی خود به او خدمت کرده‌اند و اکنون که از آنها تجلیل می‌شود، پاداش خود را از او دریافت خواهند کرد. ۹۹ این روند مراحمی است که روح صالحان در آن قدم می‌گذارد، هر آنچه که اکنون گفته شد یا آنچه که قبلاً بازگو شده بود، روند عقوبت کسانی است که به احکام خداوند توجه نکرده و در آخرت متحمل آن خواهند شد.

۱۰۰ سپس پاسخ دادم و گفتم: آیا به روح پس از جدا شدن از بدن، این فرصت داده می‌شود تا هر آنچه را که برای من شرح دادی، آنها نیز ببینند؟ ۱۰۱ به من گفت: آنها برای مدت هفت روز آزاد خواهند بود، تا در این هفت روز چیزهایی را که به تو گفته شد، آنها نیز ببینند؛ اما بعد از آن در محل سکونت خود قرار خواهند گرفت.

ناصالحان فاقد شفاعت

۱۰۲ من جواب دادم و گفتم: اگر در نظر شما مورد التفات قرار گرفتیم، به بنده خود بیشتر نشان دهید، آیا پرهیزکاران در روز داوری می‌توانند برای ناصالحان شفاعت کنند و یا از خداوند متعال برای آنها درخواست بخشش کنند. ۱۰۳ آیا پدران برای پسران یا فرزندان برای والدین، برادران برای برادران، بستگان برای خانواده خود یا دوستان برای کسانی که نسبت به آنها صمیمی و نزدیک هستند، می‌توانند درخواست شفاعت کنند.

۱۰۴ او به من پاسخ داد و گفت: از آنجا که تو در نظر من التفات پیدا کردی، من اینرا نیز به تو نشان خواهم داد. روز داوری تعیین کننده است و مهر حقیقت شکسته شده و همه آنها خواهند دید. همانگونه که اکنون در عصر حاضر، هیچ پدری، پسرش را، یا فرزندی، پدرش را، یا ارباب، بنده خود را، یا کسی، که عزیزترین دوست خود را نمی‌تواند بفرستد که بجای او بیمار شود، یا بخوابد، یا بخورد، یا شفا یابد، ۱۰۵ بدینسان هیچ کسی در آن روز نمی‌تواند برای دیگری دعا کند، و هیچ کسی نمی‌تواند مسئولیت بار دیگری را بر دوش بگیرد؛ زیرا همه در آن روز متحمل پارسایی یا شرارت خود خواهند بود.

۱۰۶ پاسخ دادم و گفتم: پس چگونه می‌توانیم درک کنیم که نخست ابراهیم برای مردم سدوم دعا کرد و موسی نیز برای اجداد ما که در صحرا گناه کرده بودند، ۱۰۷ و یوشع هم پس از او برای اسرائیل در دوران غخان، ۱۰۸ و سموئیل در روزهای شائول، داود برای طاعون، و سلیمان برای کسانی که در حال تخصیص و وقف هستند، ۱۰۹ و الیاس برای کسانی که از ریزش باران برخوردار شوند، و برای زنده ماندن کسی که مُرده بود، ۱۱۰ و حزقیال برای مردم در دوران سَنحاریب و افراد بسیار زیاد دیگری نیز برای سایرین دعا می‌کردند؟ ۱۱۱ بنابراین اکنون که فساد زیاد شده و بی‌عدالتی کثیر گردیده است، اگر پارسایان برای افراد ناصالح دعا کنند، پس چرا به همان شکل نخواهد بود؟

۱۱۲ او پاسخ داد و گفت: این جهان اکنون به پایان نرسیده است. جلال کامل در آن پایدار نمی‌ماند؛ بنابراین کسانی که قوی بودند برای ضعیف‌ها دعا می‌کردند. ۱۱۳ اما روز داوری، پایان عصر حاضر و آغاز عصر جاودانگی خواهد بود که در آن فساد از بین رفته است، ۱۱۴ گناه گناهکار به پایان رسیده، بی‌ایمانی از ریشه قطع شده، پارسایی به جایگاه رفیع ارتقا یافته، و حقیقت نیز ظاهر شده است. ۱۱۵ بنابراین هیچ کس نمی‌تواند در مورد کسی که در روز داوری محکوم شده است شفقت نشان دهد و یا به کسی که پیروزی نصیب او شده است، آسیب برساند.

سوگواری

۱۱۶ پاسخ داده و گفتم: این اولین و آخرین اظهار نظر من است: بهتر بود که زمین هرگز آدم را بوجود نمی‌آورد، یا اگر او را بوجود می‌آورد، از گناه باز می‌داشت. ۱۱۷ چه فایده‌ای دارد برای همه آنها که اکنون در غم و اندوه زندگی می‌کنند و انتظار مجازات بعد از مرگ را دارند؟ ۱۱۸ ای آدم، چه کار کردی؟ زیرا اگر چه این تنها تو بودی که مرتکب گناه شدی، اما سقوط انسان تنها شما حال تو نشد، بلکه ما را هم که از نسل تو هستیم در بر گرفت. ۱۱۹ برای ما چه فایده دارد، هر چند که حیات ابدی به ما وعده داده شده است، اما ما اعمالی را انجام می‌دهیم که مرگ را به همراه خود می‌آورد؟ ۱۲۰ و چه خوب است که یک امید ابدی به ما وعده داده شده است، اما ما بدبختانه شکست خورده‌ایم. ۱۲۱ یا چه فایده دارد که مکان‌های امن و سالم برای سکونت ما در نظر گرفته شده است، اما ما شریرانه

زندگی کرده‌ایم؟ ۱۲۲ یا اینکه جلال قادر متعال از کسانی که زندگی پاکی را پشت سر گذاشته‌اند دفاع می‌کند، اما ما در بدترین راهها قدم برداشته‌ایم؟ ۱۲۳ یا اینکه بهشتی پدیدار می‌شود، که میوه‌های آن غیر قابل فساد و شفا بخش هستند، اما ما وارد آن نخواهیم شد. ۱۲۴ زیرا ما بر اساس شیوه‌های منحرف زندگی کرده‌ایم؟ ۱۲۵ صورت آنهایی که در زندگی، خویشندار و پرهیزکار بوده‌اند، از ستارگان بیشتر می‌درخشد، اما صورت ما سیاه‌تر از تاریکی شب است؟ ۱۲۶ زیرا هنگامی که که زندگی می‌کردیم و به ناحق مرتکب شرارت می‌شدیم، تصور نمی‌کردیم که بعد از مرگ چه رنج‌هایی را باید متحمل شویم.

۱۲۷ او پاسخ داد و گفت: این همانا اهمیت این رقابت است که همه کسانی که بر روی زمین متولد شده‌اند باید آنرا به دست بیاورند. ۱۲۸ اگر شکست بخورند، متحمل عذابی خواهند شد که تو گفتی، اما اگر پیروز شوند، آنچه را که من گفته‌ام، کسب خواهند کرد. ۱۲۹ زیرا این روشی است که موسی در حالی که زنده بود به مردم گفت: زندگی خود را چنان انتخاب کن که حیات داشته باشی! ۱۳۰ اما آنها به او یا به انبیای پس از او ایمان نیاوردند. آنها حتی وقتی با آنها صحبت کردم خود مرا نیز باور نکردند. ۱۳۱ بنابراین جای هیچ تاسف و سوگواری برای هلاکت آنها وجود ندارد؛ بلکه بیشتر برای آنهایی باید شاد بود، که از نجات خود مطمئن هستند.

توسل عزرا به رحمت خدا

۱۳۲ پاسخ داده و گفتیم: ای خداوند، می‌دانم که قادر متعال، رحیم خوانده می‌شود، زیرا او نسبت به کسانی که هنوز وارد جهان نشده‌اند رحمت نشان می‌دهد. ۱۳۳ و بخشنده خوانده می‌شود، زیرا او نسبت به کسانی که توبه کرده و بسوی فرامین او باز می‌گردند، بخشنده است. ۱۳۴ و صبور است، زیرا نسبت به کسانی که گناه کرده‌اند، صبر و شکیبایی نشان می‌دهد، از آنجا که آنها آفرینش خود او هستند. ۱۳۵ و سخاوتمند است، زیرا ترجیح می‌دهد بیشتر از آنچه که به او هدیه می‌شود، اهدا کننده باشد. ۱۳۶ و سرشار از شفقت است، زیرا او بیش از پیش به کسانی که اکنون زندگی می‌کنند و به کسانی که از دنیا رفته‌اند و به کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، به فراوانی دلسوز است. ۱۳۷ اگر او به بخشش و دلسوزی خود ادامه نمی‌داد، جهان با کسانی که در آن سکونت دارند، فاقد حیات بودند. ۱۳۸ او عفو کننده خوانده

می‌شود، زیرا اگر او از عفو برخوردار نبود، آنانی که مرتکب شرارت شده‌اند چگونه می‌توانستند از بند آن رها شوند، حتی از هر ده هزار نفر انسان، یک نفر نیز نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. ۱۳۹ او داور نیز خوانده می‌شود، زیرا کسانی را که با کلام خود خلق کرده است می‌بخشد، و بسیاری از گناهان آنها را از نظر خود محو می‌کند، ۱۴۰ و فقط تعداد اندکی از جرائم بیشمار آنها باقی می‌ماند.

۸ او به من پاسخ داد و گفت: قادر متعال این دنیا را برای تعداد بسیار زیادی ایجاد کرده است، اما دنیای بعدی را فقط برای تعداد معدودی فراهم کرده است. ۲ اما ای عزرا، من مثلی را برای تو بازگو می‌کنم، درست همانطور که از زمین پرسیدی، به تو می‌گویم که مقدار زیادی خاک رس فراهم می‌کند که از آن وسایل سفالی ساخته می‌شود، اما فقط مقدار کمی خاک وجود دارد که از آن طلا بدست می‌آید، روند دنیای کنونی نیز همینطور است. ۳ تعداد بسیار زیادی خلق شده‌اند، اما فقط تعداد کمی از آنها نجات خواهند یافت.

توسل عزرا به بخشش خدا

۴ پاسخ داده و گفتم: در واقع روح من نیاز به فهم بیشتر دارد و قلب من نیز باید سرشار از حکمت گردد، تا بتوانم درک کنم. ۵ زیرا من به خواست خودم وارد این دنیا نشده‌ام، و بر خلاف میل خود باید این جهان را ترک کنم، زیرا برای زندگی تنها یک مدت کوتاه به من فرصت داده شده است. ۶ ای خداوندی که در ورای همه قرار داری، به بنده خود عطا کن که در حضور تو دعا کنم، تا بذری در قلب ما بنشانی تا فهم ما را چنان پرورش دهد تا از آن ثمری حاصل شود، چنانچه هر انسان فانی بتواند بواسطه آن از حیات برخوردار شود. ۷ زیرا تنها تو بقا داری، و ما همانطور که خود گفتی، ساخته دست تو هستیم. ۸ و از آنرو که تو به بدنی که در رحم شکل می‌گیرد حیات می‌بخشی و اعضای آنرا تکمیل ساخته، و آنچه را که خلق کرده‌ای از آب و آتش حفظ می‌کنی؛ و رحم برای مدت نه ماه، موجودی را که تو خلق کرده‌ای، تحمل می‌کند. ۹ اما هم ظرف و هم محتویات آن با مراقبت تو حفظ می‌شود. و هنگامی که رحم در آخر آنچه را که در آن خلق شده است باز پس می‌دهد؛ ۱۰ تو فرمان می‌دهی که سینه‌های انسان شیر

تولید کند، ۱۱ تا هر آنچه که شکل گرفته است برای مدتی مورد تغذیه قرار گیرد. و پس از آن تو باز هم او را به رحمت خود هدایت می‌کنی. ۱۲ تو او را در عدالت خود پرورش داده، و شریعت خود را به او آموزش داده‌ای، و او را در حکمت خود اصلاح خواهی نمود. ۱۳ تو او را به عنوان خلقت خود به دست مرگ خواهی سپرد، و به او به عنوان عمل دست خود، حیات خواهی داد. ۱۴ اما سپس تو کاملاً آماده هستی تا هر آنچه را که با دقت فراوان به فرمان خود خلق کردی، نابود سازی، پس به چه منظور خلق شده است؟ ۱۵ اکنون مطمئناً سخن خواهم گفت: تو تمامی خلق بشر را بهتر از همه می‌شناسی؛ اما من در مورد قوم تو که برای آنها ناراحت هستم صحبت خواهم کرد، ۱۶ و در مورد میراث تو، که برای آن سوگوار هستم، در مورد اسرائیل که برای آنها غمگینم، در مورد نسل یعقوب که برای آنها نگران هستم. ۱۷ بنابراین در حضور تو، برای خودم و برای آنها دعا می‌کنم، زیرا می‌توانم ببینم همه ما که ساکن این زمین هستیم شکست خورده‌ایم. ۱۸ و هم اکنون نیز از روز داوری شنیده‌ام که قرار است بزودی بیاید. ۱۹ از اینرو صدای مرا بشنو و سخنان مرا که در حضور تو ابراز خواهم کرد، مورد نظر قرار بده.

دعای عزرا

عزرا قبل از اینکه از جای خود برخیزد؛ دعای خود را این چنین آغاز کرد: ۲۰ ای خداوند، که در ابدیت ساکن هستی، و بالاترین آسمانها مکان توست، ۲۱ عرش تو فراتر از مقیاس است و جلال تو فراسوی هر درک است، و در حضور تو لشکری از فرشتگان که بر خود می‌لرزند، ایستاده‌اند. ۲۲ و آنها به فرمان تو به باد و آتش تبدیل می‌شوند، کلام تو مطمئن و گفته‌های آن امر مسلم است، فرمان تو با قدرت و حکم تو وحشتناک است، ۲۳ نگاه تو، اعماق آب را به خشکی تبدیل کرده و از خشم تو، کوهها ذوب می‌شوند، و حقیقت تو تا ابد پایدار است. ۲۴ ای خداوند دعای بنده خود را بشنو، و به دادخواست مخلوق خود گوش فرا بده و به سخنان من توجه کن. ۲۵ تا زمانی که زنده هستم صحبت خواهم کرد و تا زمانی که قدرت درک داشته باشم جواب خواهم داد.

۲۶ ای خداوند، به گناهان قوم خود نگاه نکن، بلکه به کسانی نگاه کن که تو را در راستی خدمت می‌کنند. ۲۷ به تلاش کسانی که به بدی عمل می‌کنند

توجه نکن، بلکه به تلاش کسانی نگاه کن، که عهد تو را حتی در کشاکش سختی‌ها ننگه می‌دارند. ۲۸ به کسانی که در حضور تو به زندگی شیریرانه خود ادامه می‌دهند فکر نکن، بلکه آنانی را بخاطر بسیار، که آگاهانه به تو احترام می‌گذارند. ۲۹ مشتاق نابودی آنانی نباش که مانند احشام زندگی می‌کنند، بلکه کسانی را در نظر بگیر، که شریعت تو را به شکلی با شکوه آموخته‌اند. ۳۰ از آنانی که از حیوانات وحشی بدتر به نظر می‌رسند خشمگین مباش، بلکه آنانی را دوست داشته باش که همیشه اعتماد خود را بر جلال تو قرار داده‌اند. ۳۱ زیرا ما و نیاکان ما زندگی خود را به روشهایی گذرانده‌ایم که مرگ به همراه می‌آورد؛ اما این به خاطر ما گناهکاران است که تو را رحیم نامیده‌اند. ۳۲ تو رحیم نامیده خواهی شد، زیرا با وجود اینکه هیچ‌گونه پارسایی در ما نیست، باز هم مشتاق ترحم نسبت به ما هستی؛ ۳۳ زیرا صالحان که اعمال نیکوی بسیار زیادی در حضور تو دارند، پاداش خود را در نتیجه آن دریافت خواهند کرد. ۳۴ اما انسان فانی چیست که نسبت به آنها خشمگین هستی؟ یا این نژاد فاسد چیست، که از آنها آزرده هستی؟ ۳۵ زیرا در حقیقت، کسی نیست که متولد شده باشد و دست به عمل شیریرانه‌ای نزده باشد، و در میان زندگان نیز کسی وجود ندارد که مرتکب کار اشتباهی نشده باشد. ۳۶ به همین خاطر ای خداوند، عدالت و نیکویی تو به چشم می‌آید، زیرا به آنانی که هیچ عمل نیکویی در زندگی خود نداشته‌اند، رحم نشان می‌دهی.

پاسخ به دعای عزرا

۳۷ او به من پاسخ داد و گفت: برخی از چیزهایی که تو گفتی، کاملاً درست است؛ و چیزها معمولاً بر اساس سخنان تو اتفاق خواهد افتاد. ۳۸ زیرا در واقع من خودم برای کسانی که گناه کرده‌اند، یا در مورد مرگ آنها، یا بابت دآوری یا نابودی آنها، نگران و ناراحت نیستم. ۳۹ اما من از جمیع صالحین، خشنود هستم؛ سفرهای مذهبی آنها و همچنین نجات آنها و دریافت پاداش آنها، سبب شادی من خواهند شد. ۴۰ همانطور که گفته‌ام، به همین شکل نیز خواهد بود.

۴۱ هر چند که کشاورز بذر بیشتری در زمین بکارد، یا تعداد زیادی از نهال گیاهان را در زمین نشا کند، اما با این وجود تمام بذره‌ای کاشته شده در فصل مناسب جوانه نمی‌زنند، و تمام نهال‌ها نیز ریشه نمی‌گیرند. بدینسان

نیز، همه آنانی که در این دنیا متولد شده‌اند، نجات نمی‌یابند.

۴۲ جواب داده و گفتیم: اگر در نظر شما لطف پیدا کردم، اجازه دهید صحبت کنم. ۴۳ اگر بذر کشاورز جوانه نزند، زیرا در فصل مناسب از باران تو بی نصیب مانده است، یا اینکه بواسطه بارندگی زیاد، از بین رفته و نابود شده است. ۴۴ اما مردمی که با دست تو شکل گرفته‌اند و به این دلیل که به شباهت تو خلق شده‌اند، حتی به تصویر تو خوانده می‌شوند؛ تو همه این چیزها را بخاطر آنها شکل داده‌ای، آیا آنها را با بذر کشاورز مورد مقایسه قرار می‌دهی؟ ۴۵ ای خداوند بلند مرتبه، مطمئناً اینطور نیست! اما از گناه قوم خود گذشت کن و به میراث خود رحم کن، زیرا تو از ازل بر آفرینش خود رحمت داشته‌ای.

درخواست عزرا برای رحمت خدا

۴۶ او به من پاسخ داد و گفت: چیزهایی که در حال حاضر وجود دارند برای کسانی هستند که اکنون زندگی می‌کنند و چیزهای آینده برای کسانی است که از این به بعد زندگی می‌کنند. ۴۷ تو بسیار دورتر از آن هستی که بتوانی خلقت مرا بیشتر از خود من دوست داشته باشی. اما غالباً خودت را با افراد ناصالح مقایسه می‌کنی. هرگز این کار را نکن! ۴۸ اما حتی از این نظر هم تو در پیشگاه قادر متعال قابل تحسین و تجلیل هستی، ۴۹ زیرا که خود را فروتن کرده‌ای، چنانچه که به همین شکل نیز برازنده و مناسب توسست، و خود را از صالحان به حساب نیاوردی؛ از اینرو تو بالاترین شکوه و جلال را به دست خواهی آورد؛ ۵۰، زیرا بسیاری از بدبختی‌ها و مصائب بر ساکنان زمین در زمان پایان دنیا تأثیر می‌گذارد، زیرا آنها با غرور و افتخار بیش از اندازه به پیش رفته‌اند. ۵۱ اما تو به امور خود بیندیش و در مورد جلال کسانی که مانند خود تو هستند، سؤال کن، ۵۲ زیرا این برای توسست که بهشت گشوده، و درخت حیات کاشته، و عصر آینده مهیا شده است، امکانات زیادی فراهم شده و شهری ساخته شده است، آرامی تعیین و نیکویی برقرار شده و حکمت نیز از پیش کامل می‌شود. ۵۳ ریشه شرارت از بین می‌رود، بیماری رانده می‌شود، و مرگ پنهان می‌شود. جهنم از دسترس خارج شده و فساد به فراموشی سپرده می‌شود، ۵۴ غم و اندوه در خواهد گذشت، و در پایان، گنج جاودانگی پدیدار خواهد شد. ۵۵ بنابراین دیگر در مورد تعداد کثیری که هلاک خواهند شد سؤال نکن. ۵۶ زیرا آنها وقتی فرصت انتخاب

داشتند، خدای متعال را نادیده گرفته و از احکام او کراهت داشتند، و به راه خود رفتند. ۵۷ علاوه بر این، آنها حتی حق صالحین را پایمال کردند، ۵۸ و در قلب خود گفتند که هیچ خدایی وجود ندارد؛ گرچه آنها به خوبی می‌دانستند که روزی خواهند مُرد. ۵۹ درست همانطور که چیزهایی را که در انتظار توسل پیش بینی کردم، بنابراین عطش و عذاب از پیش تعیین شده نیز در انتظار آنهاست. زیرا قصد خداوند متعال این بود که هیچ کسی نابود نشود. ۶۰ اما آنانی که آفریده شده‌اند، نام کسی را که آنها را خلق کرده است، آلوده می‌سازند، و نسبت به کسی که اکنون زندگی آنها را مهیا کرده است، ناسپاس هستند. ۶۱ بدینسان داوری من اکنون نزدیک شده است. ۶۲ من این چیزها را به همه مردم نشان نداده‌ام، بلکه فقط به تو و معدود کسانی که مانند تو هستند.

سپس من پاسخ داده و گفتم، ۶۳ ای خداوند، از قبل تعداد زیادی از نشانه‌هایی را که در آخر دنیا به انجام خواهند رسید به من نشان داده‌اید؛ اما به من نشان ندادید که چه زمانی آنها رخ خواهند داد.

نشانه‌های آخر دنیا

۹ ۱ او به من پاسخ داد و گفت: با دقت در ذهن خود بسنجید، و هنگامی که دیدید برخی از علائم پیش بینی شده اتفاق افتاده‌اند، ۲ آنگاه خواهید دانست زمان آن بسیار نزدیک است که قادر متعال به دیدار دنیایی بیاید که خلق کرده است. ۳ بنابراین، هنگامی که در جهان زمین لرزه‌ها، اغتشاش مردمان، فتنه ملل، تردید رهبران، آشفتگی شاهزادگان پدیدار شود، ۴ آنگاه خواهید دانست که اینها چیزهایی هستند که قادر متعال از ایام قدیم و در آغاز آفرینش از آن سخن گفته است. ۵ درست مانند هر آنچه که در جهان اتفاق افتاده است، آغاز آن کاملاً مشهود است و پایان آن نیز قابل دیدن است. ۶ زمانهای قادر متعال نیز چنین است: آغاز آفرینش با اعمال شگفت انگیز و عظیم شروع شد و پایان آن نیز با مجازات و نشانه‌ها به ظهور خواهد رسید. ۷ اینگونه خواهد بود که برخی با تکیه بر اعمال خود و یا بر اساس ایمانی که به آن اعتقاد دارند می‌توانند از مجازات گریخته و نجات یابند، ۸ از خطرات پیشگویی شده در امان مانده و در سرزمین من و در مرزهایم که از ابتدا برای خودم تقدیس کردم، نجات مرا ببینند. ۹ آنگاه کسانی که اینک راههای مرا نادیده می‌گیرند، شگفت زده خواهند شد و کسانی که آنرا با

تحقیر رد کرده‌اند، در عذاب زندگی خواهند کرد. ۱۰ زیرا کسانی که مرا در طول زندگی خود تصدیق نکردند، گرچه از برکات من بهره‌مند شدند، ۱۱ با وجود اینکه همه آنها از آزادی انتخاب برخوردار بودند، اما احکام مرا مورد تحقیر قرار دادند؛ و در حالی که هنوز برای آنها فرصتی برای توبه وجود داشت، باز هم نفهمیدند و آنرا خوار شمردند. ۱۲ اینها مطمئناً در عذاب پس از مرگ آنرا تصدیق خواهند کرد. ۱۳ بنابراین، به کنجکاوای خود در مورد چگونگی مجازات افراد خدا شناس ادامه نده. اما سؤال کن که چگونه پرهیزکاران نجات خواهند یافت؛ کسانی که جهان به آنها تعلق دارد و این دنیا به خاطر آنها خلق شده است.

۱۴ پاسخ داده و گفتم، ۱۵ من قبلاً گفتم، و اکنون نیز می‌گویم و دوباره آنرا خواهم گفت: تعداد آنانی که هلاک خواهند شد بسیار بیشتر از کسانی است که نجات می‌یابند؛ ۱۶ چنانچه مانند یک موج در مقابل یک قطره آب هستند. ۱۷ او به من پاسخ داد و گفت: بذر برای رشد به مزرعه نیاز دارد. و همچنین گله‌ها، به رنگ نیاز دارند. و محصول نیز محتاج به نیروی کار است؛ و خرمن کوبی نیز وابسته به کشاورز است. ۱۸ زیرا در این عصر، دورانی وجود دارد که من برای کسانی فراهم کرده‌ام که اکنون زندگی می‌کنند، قبل از اینکه این دنیا را برای زندگی آنها خلق کنم، کسی با من مخالفت نکرد، زیرا هیچ کسی وجود نداشت. ۱۹ اما اکنون کسانی که در این دنیا زندگی می‌کنند، با وجود اینکه هم سفره‌ای سرشار از مواد غذایی برای ایشان فراهم کردم، و هم احکام حکیمانه برای آنها فرستادم؛ باز در راههایشان فاسد شده‌اند. ۲۰ بنابراین من دنیای خود را در نظر گرفتم و دیدم که ویران شده است. دیدم که زمین من به دلیل فتنه و اعمال شریرانه کسانی که وارد آن شده‌اند در معرض خطر قرار دارد. ۲۱ و بعضی از آنها را با سختی زیاد از دیگران جدا کردم و یک دانه انگور از یک خوشه را و یک نهال از یک جنگل بزرگ را برای خودم در نظر گرفتم. ۲۲ پس بگذارید جمعیت زیادی که بیهوده متولد شده‌اند، هلاک شوند. اما بگذارید انگور و نهال من نجات پیدا کند، زیرا با زحمت زیاد آنها را به ثمر رساندم.

۲۳ اکنون بگذار هفت روز دیگر بگذرد، و در طول این مدت نیازی هم به روزه گرفتن نیست، ۲۴ بلکه به مرتع گل‌هایی برو که هیچ خانه‌ای در آن ساخته نشده است، و فقط از گل‌های مرتع بخور و لب به گوشت نزده و شراب نیز نخور، بلکه فقط گل بخور؛ ۲۵ و مرتباً خدای قادر متعال را ستایش کن،

سپس من آمده و با تو صحبت خواهم کرد.

۲۶ بنابراین همانطور که او مرا راهنمایی کرد، به مرتعی به نام آردات رفتم؛ آنجا در میان گلها نشستم و از گیاهان مزرعه خوردم، و تغذیه از آنها برای رفع گرسنگی من کافی بود. ۲۷ بعد از هفت روز، در حالی که روی علفها خوابیده بودم، قلبم دوباره مثل گذشته آشفته شد. ۲۸ سپس دهان من باز شد، و شروع به صحبت در حضور قادر متعال کرده و گفتم: ۲۹ ای خداوند، تو خود را به نیاکان ما وقتی که از مصر بیرون آمدند و وارد بیابان غیر قابل سکونت و بی ثمر شدند، نشان دادی. ۳۰ و گفتم، ای اسرائیل، مرا بشنو و ای فرزندان یعقوب به سخنان من توجه کنید. ۳۱ من احکام خود را برای شما می فرستم و آنها در شما ثمر داده و شما بواسطه آن تا ابد جلال خواهید یافت. ۳۲ گرچه نیاکان ما این احکام را دریافت کردند، اما آنها حفظ نکرده و مفاد آنها رعایت نکردند. با این وجود هنوز ثمره احکام تو از بین نرفته است، زیرا نمیتوانست از بین برود، چون متعلق به توست. ۳۳ اما کسانی که آنها دریافت کردند، هلاک شدند، زیرا هر آنچه را که در آنها نوشته شده بود، حفظ نکردند. ۳۴ اکنون این قاعده کلی است که وقتی زمین بذر را، یا دریا کشتی را، یا هر ظرفی، غذا یا نوشیدنی را در خود جای داد؛ هنگامی که هر آنچه را که در خود قرار داده‌اند نابود شود؛ ۳۵ باز خود آنها با وجود از بین رفتن محتویات خود، همچنان باقی می‌مانند. اما در مورد ما چنین نیست؛ ۳۶ زیرا کسی که احکام الهی را دریافت کند و مرتکب گناه شود، هلاک خواهد شد، مزید بر آن، این احکام در قلب ما جای گرفته است. ۳۷ با این حال، این احکام از بین نمی‌روند بلکه در جلال خود باقی می‌مانند.

رؤیای زن سوگواری

۳۸ وقتی این چیزها را در قلب خود گفتم، به اطراف نگاه کردم، و در سمت راست خود یک زن را دیدم. او با صدای بلند سوگواری و گریه می‌کرد و اندوه عمیقی را در قلب خود تجربه می‌کرد؛ همچنین لباسهایش پاره شده و خاکستر بر روی سرش ریخته بود. ۳۹ سپس افکاری را که در ذهن خود به آن مشغول بودم، رها کرده، به سمت او برگشتم؛ ۴۰ و به او گفتم: چرا گریه می‌کنی، و چرا در دل خود غمگین هستی؟

۴۱ او به من گفت: سرورم، بگذار تنها باشم، تا همچنان گریه کرده و به سوگواری خود ادامه دهم؛ زیرا روح من پریشان و عمیقاً بسیار ناراحت

هستم.

۴۲ به او گفتم: چه اتفاقی برای تو افتاده است؟ به من بگو.

۴۳ و به من گفتم: کنیز تو نازا بود و فرزندی نداشت، هر چند که به مدت سی سال با شوهرم زندگی کردم. ۴۴ هر ساعت و هر روز در طول این سی سال، شب و روز در حضور خدای متعال دعا می‌کردم. ۴۵ و بعد از سی سال، خداوند صدای بنده خود را شنید و به وضعیت ناراحت کننده من نگاه کرد و پریشانی مرا در نظر گرفته و پسری به من داد. من از بابت او بسیار خوشحال بودم، و من و همسرم و همه همسایگان ما قدرت و جلال خداوند را مورد تجلیل قرار داده و از او تقدیر کردیم. ۴۶ و من او را با احتیاط و دقت فراوان بزرگ کردم. ۴۷ بنابراین وقتی بزرگ شد تصمیم گرفتم که همسری برای او بگیرم، و بدینسان یک روز را برای جشن ازدواج تعیین کردم.

۱ اما چنین اتفاق افتاد که پسر من وقتی وارد حجله عروسی خود شد، به زمین افتاد و جان سپرد. ۲ بنابراین همه ما چراغها را خاموش کردیم و همه همسایگان سعی کردند تا به من تسلی دهند. تا غروب روز دوم ساکت ماندم. ۳ اما وقتی همه آنها دست از تسلی دادن من کشیدند و مرا تشویق به آرامش کردند، در هنگام شب از جای خود بلند شده و فرار کردم و همانطور که می‌بینید به این صحرا آمدم. ۴ و اکنون قصد ندارم به شهر برگردم، بلکه می‌خواهم در اینجا بمانم؛ و نه خواهم خورد و نه خواهم نوشید، بلکه به سوگواری و روزه گرفتن آنقدر ادامه خواهم داد تا اینکه بمیرم.

۵ من افکاری را که هنوز مرا به خود مشغول کرده بود، رها کردم و با عصبانیت به او پاسخ داده و گفتم: ۶ تو یکی از احمق‌ترین زنان هستی، سوگواری ما را و اینکه چه اتفاقی برای ما افتاده است را درک نمی‌کنی؟ ۷ زیرا صهیون، مادر همه ما، در اندوه و رنج فراوان است. ۸ اکنون مناسب‌ترین زمان برای سوگواری کردن است، زیرا همه ما عزادار و بسیار غمگین هستیم، همه ما ناراحت و در اندوه فراوان هستیم. تو فقط برای یک پسر سوگواری هستی، اما ما، یعنی تمام دنیا، برای مادر خود سوگواری هستیم. ۹ اکنون از زمین درخواست کن، و او به تو خواهد گفت که این اوست که باید برای بسیاری از کسانی که او به دنیا آورده است، سوگواری

کند. ۱۰ از ابتدا همه ما از او متولد شده‌ایم و دیگران نیز پس از ما خواهند آمد. و تقریباً همه آنها به تباہی خواهند رفت و تعداد زیادی از آنها به عذاب روز بازپسین گرفتار خواهند شد. ۱۱ پس چه کسی باید بیشتر سوگووار باشد، آن کسی که این تعداد زیاد را از دست داده، یا تو که تنها برای یک نفر غمگین هستی؟ ۱۲ اما اگر به من بگویی، غم و اندوه من مانند زمین نیست، زیرا من ثمره رحم خودم را از دست داده‌ام که آنرا با زحمت حمل کرده و با درد به دنیا آورده‌ام. ۱۳ اما در مورد زمین مطابق با سرشت زمین است؛ جمعیتی که اکنون در آن موجود است، همانطور که آمده است، همانطور نیز می‌رود. ۱۴ بنابراین من به تو می‌گویم، همانطور که تو در درد و رنج، فرزند خود را به دنیا آورده‌ای، زمین نیز از همان ابتدا از ثمر خود یعنی بشریت در رنج و سوگواری بوده است. ۱۵ پس اینک، سوگواری خود را برای خود نگه دار، و رنج و عذابی را که بر سر تو آمده است با شجاعت تحمل کن. ۱۶ زیرا اگر تو حکم خدا را عادلانه می‌دانی، پس فرزند خود را در زمان مناسب باز پس خواهی گرفت و در بین سایر زنان مورد تقدیر قرار خواهی گرفت. ۱۷ بنابراین به شهر و به نزد شوهر خود برگرد. ۱۸ او به من گفت: من این کار را نخواهم کرد؛ و به شهر نخواهم رفت، بلکه در همین مکان خواهم مُرد.

۱۹ از اینرو من دوباره با او صحبت کردم و گفتم: ۲۰ این کار را نکنید، بلکه با نگاه به مشکلاتی که صهیون به آن گرفتار شده است، به خودتان دلگرمی دهید، زیرا با دیدن رنج و درد اورشلیم، غم خود را فراموش کرده و تسلی خواهید یافت. ۲۱ زیرا می‌بینید که خیمه مقدس ما چگونه از بین رفته است، مذبح ما خراب و بر زمین افتاده است، و معبد ما کاملاً تخریب شده است. ۲۲ نوای چنگ ما از کار افتاده است، و سرودهای ما جای خود را به سکوت داده است، و شادی ما به پایان رسیده است. نور چراغ‌دانه‌های ما خاموش شده و صندوق عهد ما غارت شده است؛ لوازم مقدس ما آلوده شده‌اند، و نامی که ما با آن فرا خوانده شده‌ایم تقریباً بی حرمت شده است. فرزندان ما مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، کاهنان ما را به آتش کشیده و کشته‌اند، لایوان ما به تبعید رفته و دختران باکره ما را بی عصمت کرده‌اند، و به همسران ما تجاوز شده و مردان صالح ما به بیرون رانده شده‌اند، کودکان خردسال ما به دور انداخته شده و مردان جوان ما به بردگی گرفته شده‌اند، و مردان توانای ما را از قدرت محروم کرده‌اند. ۲۳ و از همه بدتر، مُهر صهیون

که شهر خدا خوانده می‌شد، از جلال خود محروم و به دست کسانی که از ما متنفّر هستند، سپرده شده است. ۲۴ بنابراین غم و اندوه فراوان خود را به کناری گذاشته و آنرا از خود دور بساز؛ باشد که خداوند توانا دوباره به شما رحم کرده و قادر متعال به شما آرامش عطا کند تا از درد و رنج خود فارغ شوید.

۲۵ در حالی که با او صحبت می‌کردم، ناگهان صورتش شروع به درخشش زیاد کرد؛ و چهره او مانند آذرخش برق زد، به طوری که من از نزدیک شدن به او خیلی وحشت کردم و قلبم مضطرب شد. در حالی که از اتفاق رخ داده در حیرت بودم. ۲۶ او ناگهان فریاد بلند و ترسناکی سر داد، به گونه‌ای که زمین از شدت صدای او به لرزش درآمد. ۲۷ وقتی نگاه کردم، زن دیگر برایم قابل رویت نبود، اما شهری در حال ساخت بود و مکانی با زیربناهای عظیم خود را نشان داد. ترسیده و با صدای بلند گریه کردم و گفتم: ۲۸ اورئیل فرشته کجاست! که در ابتدا به نزد من آمد؟ زیرا او این بود که سبب آشفتگی غیر قابل کنترل افکار من گردید. پایان من به مرگ و تباهی ختم شده و دعای من به توبیخ و ملامت تبدیل شده است.

تفسیر رؤیا

۲۹ در حالی که من این سخنان را می‌گفتم، فرشته‌ای که ابتدا به نزد من آمده بود، هنگامی که مرا دید ۳۰ در آنجا مانند یک جنازه دراز کشیده و از قدرت درک عاجز شده‌ام، دست راست مرا گرفت و به من قوت قلب داد؛ سپس مرا سر پا بلند کرد و گفت، ۳۱ چه اتفاقی برای تو افتاده است؟ چرا ناراحت هستی؟ چرا درک و افکار ذهن تو دچار آشفتگی و اختلال شده است؟ ۳۲ گفتم: به این دلیل بود که مرا به حال خود رها کردی. من همانطور که تو راهنمایی کردی به مرتع گلها رفتم، و آنچه را که دیدم و هنوز هم می‌بینم، برای من غیر قابل توصیف و توضیح هستند.

۳۳ او به من گفت: مانند یک مرد بایست و من برای تو توضیح خواهم داد.

۳۴ گفتم، سخن بگو سرورم، فقط مرا رها نکنید، تا من قبل از پایان عمر خود نمیرم. ۳۵ زیرا من آنچه را که نمی‌دانستم دیده‌ام و چیزهایی را شنیده‌ام که برای من غیر قابل درک است؛ ۳۶ یا ذهن من فریب خورده، و روح من خواب دیده است؟ ۳۷ بنابراین، از تو درخواست می‌کنم که به بنده خود توضیحاتی در مورد این رؤیای حیرت آور بدهید.

۳۸ او به من پاسخ داد و گفت: به من گوش کن و من به تو تعلیم خواهم داد و در مورد چیزهایی که از آن ترس داری به تو خواهم گفت؛ زیرا خداوند متعال اسرار بسیاری را به تو نشان داده است. ۳۹ او رفتار صالحانه تو را دیده است، و به همین خاطر تو بطور مداوم برای قوم خود اندوهگین شده و برای صهیون سوگوار هستی. ۴۰ بدینسان تفسیر رؤیایی را که دیده‌ای، چنین است. ۴۱ زنی که چند لحظه قبل به نظر تو آمد، کسی که سوگوار بود و تو شروع به تسلی دادن او کردی؛ ۴۲ و اکنون تو او را دیگر به شکل یک زن نمی‌بینی، بلکه به نظر تو بصورت شهری می‌آید که در حال بنا شدن است. ۴۳ و تعبیر کسی که به تو در مورد مصیبت و بدبختی پسرش گفت، این است: ۴۴ زنی که تو دیدی، همان صهیون است که اکنون به عنوان شهری در حال ساخته شدن به نظر می‌آید. ۴۵ و دلیل اینکه به تو می‌گوید سی سال است که نازا بوده است، این است که به مدت سه هزار سال در جهان هیچ گونه قربانی یا هدایایی تقدیم نشده بود. ۴۶ و بعد از سه هزار سال، سلیمان شهر را بنا کرد و قربانی و هدایا به خداوند تقدیم نمود. و پس از آن بود که زن نازا پسری به دنیا آورد. ۴۷ و در مورد اینکه به تو گفت که پسرش را با مراقبت و زحمت بسیار پرورش داده است؛ مربوط به دوره اقامت در اورشلیم می‌شود. ۴۸ و در مورد اینکه به تو می‌گوید، پسرم هنگام ورود به اتاق حجله عروسی خود درگذشت، و این مصیبت و بدبختی او را فرا گرفته است؛ منظور همان نابودی است که برای اورشلیم رخ داد. ۴۹ از اینرو تو او را به شباهت کسی دیدی که برای پسر خود سوگوار است؛ و تو به خاطر آنچه که اتفاق افتاده بود، به او تسلی دادی. ۵۰ از اینرو وقتی قادر متعال مشاهده کرد که تو صمیمانه برای او غمگین و عمیقاً ناراحت هستی، درخشش جلال و زیبایی دوست داشتنی او را به تو نشان داد. ۵۱ من برای این به تو گفتم در مرتعی بمانی که هیچ خانه‌ای در آن ساخته نشده است، ۵۲ چون می‌دانستم که قادر متعال این چیزها را بر تو آشکار خواهد ساخت. ۵۳ و به این دلیل به تو گفتم که به مزرعه‌ای بروی که هیچ پایه و اساس ساختمانی در آن وجود نداشته باشد، ۵۴ زیرا هیچ گونه ساخت و ساز انسانی نمی‌تواند در محلی که شهر قادر متعال نازل می‌شود، دوام بیاورد.

۵۵ پس نترس و دل خود را مضطرب مساز. بلکه وارد شده و تا آنجایی که چشم تو امکان دیدن آنرا می‌دهد، جلوه و شکوه و عظمت ساختمان را ببین؛ ۵۶ و بعد از آن به اندازه‌ای که شنوایی گوش تو اجازه می‌دهد، خواهی

شنید. ۵۷ تو بیش از بسیاری از افراد دیگر صاحب برکت شده‌ای، چنانچه خوانده شده‌ای تا در حضور خدای متعال باشی، که فقط تعداد محدودی از این افتخار برخوردار شده‌اند. ۵۸ اما فردا شب نیز باید در اینجا بمانی، ۵۹ و قادر متعال در آن رؤیاها به تو نشان خواهد داد که خداوند با کسانی که در روزهای آخر دنیا، ساکن زمین هستند، چه خواهد کرد. بنابراین همانطور که او گفته بود، من همان شب و هم روز بعد از آنرا در آنجا خوابیدم.

رؤیای عقاب

۱ در شب دوم رؤیایی دیدم: دیدم که از دریا یک عقاب در حال ظهور است که دارای دوازده بال پوشیده از پر و سه سر بود. ۲ دیدم که بالهای خود را در سراسر زمین می‌گستراند، و تمام بادهای آسمان بر آن می‌وزد و ابرها در اطراف آن جمع می‌شوند. ۳ دیدم که از بالهای آن بالهای متضادی رشد کرده است. اما آنها بالهای کوچک و کوتاهی شدند. ۴ اما سرها در حال خواب و استراحت بودند. سر میانی بزرگتر از سرهای دیگر بود، اما آن هم با دو سر دیگر در حال استراحت بود. ۵ سپس دیدم که عقاب با بالهایش پرواز می‌کند، و بر زمین و بر کسانی که در آن ساکن هستند سلطنت می‌کند. ۶ و من دیدم که چگونه همه چیز در زیر آسمان در تحت سلطه آن قرار دارد، و هیچ کس علیه آن صحبتی نمی‌کرد؛ حتی یک موجود هم بر روی زمین نبود که بر علیه آن چیزی بگوید. ۷ سپس دیدم که عقاب بر پنجه‌های خود بلند شد، و فریاد مهیبی بر بالهایش زده و گفت، ۸ همه به طور همزمان تماشا نکنید. بگذارید هر کس در جای خود بخوابد و به نوبت تماشا کنید. ۹ اما اجازه دهید سرها تا لحظه آخر بخوابند.

۱۰ دوباره نگاه کردم و دیدم که صدا از سرش نمی‌آید بلکه از وسط بدنش است. ۱۱ بالهای متضاد را شمردم و هشت عدد از آنها وجود داشت. ۱۲ همانطور که نگاه می‌کردم، یک بال در سمت راست پدید آمد و بر تمام زمین سلطنت کرد. ۱۳ و پس از مدتی سلطنت آن به پایان رسید و ناپدید شد، به طوری که حتی مکان آن دیگر قابل دیدن نبود. آنگاه بال بعدی ظهور و سلطنت کرد و مدتها به سلطنت خود ادامه داد. ۱۴ به هر حال پس از مدتی، سلطنت آن نیز به پایان رسید؛ و درست مانند بال قبلی، ناپدید شد. ۱۵ آنگاه صدایی به او گفت، ۱۶ به من گوش کن، تو که تمام این مدت

بر زمین حکمرانی کرده‌ای؛ من اینرا قبل از اینکه ناپدید شوی به تو اعلام می‌کنم. ۱۷ پس از تو، هیچ کس دیگری به این مدت زمانی که تو حکمرانی کرده‌ای، حتی به مدت نیمی از آن نیز حکمرانی نخواهد کرد.

۱۸ سپس بال سوم خودش را برافراشت و مانند بال قبلی حاکمیت کرده و به همان صورت نیز ناپدید شد. ۱۹ به همین شکل، هر یک از بالها به ترتیب خود، به قدرت رسیده و پس از آن هرگز دوباره دیده نشدند. ۲۰ من همچنان نگاه می‌کردم و در واقع بالهایی که در سمت راست قرار داشتند نیز به موقع خود را برافراشتند تا آنها نیز حکومت کنند، اما بعضی از آنهایی که به قدرت رسیدند فوراً ناپدید شدند. ۲۱ و سایر آنها نیز برخاستند، اما موفق به حکومت نشدند.

۲۲ و بعد از این نگاه کردم و دیدم که دوازده بال بزرگ و دو بال کوچک ناپدید شده‌اند، ۲۳ و هیچ چیزی بر روی بدن عقاب باقی نمانده است، به غیر از شش بال کوچک و سه سر که در حال استراحت بودند.

۲۴ در حالی که همچنان نگاه می‌کردم، دیدم که دو بال کوچک از شش بال باقیمانده جدا شده و در زیر سری که در سمت راست بود قرار گرفتند. اما چهار بال دیگر در سر جای خود باقی ماندند. ۲۵ سپس دیدم که این بالهای کوچک قصد دارند خودشان را برافراشته و حکومت را در دست بگیرند. ۲۶ همینطور که نگاه می‌کردم یکی از آنها خود را بلند کرد، اما بلافاصله ناپدید شد. ۲۷ دومین بال نیز به همین شکل عمل کرد، اما سریعتر از اولین بال ناپدید شد. ۲۸ در حالی که من نگاهم به آن دو بال باقی مانده بود، داشتند نقشه می‌کشیدند که با هم سلطنت کنند. ۲۹ و در حالی که آنها در حال برنامه ریزی بودند؛ یکی از سرها که در وسط قرار داشت و همچنان در حال استراحت بود، ناگهان از خواب بیدار شد. این سر بزرگتر از دو سر دیگر بود. ۳۰ و من دیدم که این سر چگونه با دو سر دیگر متحد شدند؛ ۳۱ و چگونه این سر با سرهای دیگر که متحد او بودند چرخیده و دو بال کوچک را که قصد سلطنت داشتند، بلعیده و فرو بردند. ۳۲ علاوه بر این، این سر کنترل تمام زمین را به دست آورد و با ظلم و ستم فراوان بر ساکنان آن تسلط یافت. قدرت آن در کل جهان بیشتر از تمام بالهایی بود که قبلاً از آن حکومت کرده بودند.

۳۳ بعد از این دوباره نگاه کردم و دیدم که سر وسط ناگهان ناپدید شد، درست همانطور که بالها ناپدید شده بودند. ۳۴ اما دو سر باقی مانده، به

همین ترتیب بر زمین و ساکنان آن حکومت کردند. ۳۵ و در حالی که من نگاه کردم، دیدم که سر سمت راست، سری را که در سمت چپ بود، بلعید.

شیر برافراشته از جنگل

۳۶ سپس صدایی شنیدم که به من می‌گفت: به جلوی خود نگاه کن و آنچه را می‌بینی در نظر داشته باش. ۳۷ وقتی که نگاه کردم، دیدم که چطور یک شیر از جنگل بیرون آمده و در حال غرش کردن است. و من شنیدم که چگونه با صدای انسانی صحبت کرده و به عقاب می‌گوید: ۳۸ گوش کن و من با تو صحبت خواهم کرد. قادر متعال به تو می‌گوید، ۳۹ آیا تو آخرین جانور از چهار جانوری نیستی که من برای سلطنت در جهان خود خلق کرده‌ام، تا پایان روزهای تقدیر شده جهان از طریق آنها به انتها برسد؟ ۴۰ تو چهارمین جانوری هستی که همه جانوران قبل از خود را شکست داده‌ای، و با ترس و وحشت فراوان بر سراسر جهان غلبه کرده، و با ظلم شدید بر سرتاسر زمین حاکم شدی. و در تمام مدت حضور خود بر روی زمین با حيله و فریب زندگی کردی. ۴۱ تو زمین را مورد دآوری قرار دادی، اما نه بر اساس حقیقت، ۴۲ زیرا با بی‌رحمی به مردم ظلم کرده و به کسانی که به دنبال صلح بودند حمله کردی. از کسانی که حقیقت را می‌گفتند متنفر بودی و دروغ‌گویان را دوست داشتی؛ تو خانه کسانی را که ثمر بخش بودند ویران کرده و دیوار کسانی را که به تو هیچ آسیبی نرسانده بودند، فرو ریختی.

۴۳ از اینرو، گستاخی تو به حضور خدای متعال رسیده و تکبر تو به نزد خدای قادر بی‌همتا صعود کرده است ۴۴ قادر متعال به زمان تقدیر شده نظر کرده، و اینک این زمان به انتهای خود نزدیک و دوران تعیین شده به روز باز پسین رسیده است. ۴۵ بنابراین، عقاب باید کاملاً محو و ناپدید شود؛ تو و بالهای وحشتناک تو، و بالهای کوچک پر از شرارت تو، سرهای مخرب و بد اندیش تو، چنگالهای خبیث تو، و کل بدن بی‌فایده تو، باید از بین برود؛ ۴۶ چنانچه تمام زمین، از خشونت تو رهایی و تسکین یافته و دوباره طراوت پیدا کند؛ تا بتواند به دآوری و رحمت کسی که آنرا آفریده است امیدوار باشد.

۱۱۲ در حالی که شیر این سخنان را به عقاب می‌گفت، من نگاه کردم؛ ۲ و دیدم که سر باقی مانده عقاب ناپدید شده است. اما دو بالی که بر فراز آن بودند، افراشته شده و خود را آماده سلطنت کردند، اما حکومت آنها کوتاه و پر از آشوب بود. ۳ وقتی دوباره نگاه کردم، آنها نیز در حال از بین رفتن بودند. تمام بدن عقاب سوخته و زمین در وحشت بسیار زیاد فرو رفته بود.

آنگاه با ترس و ناراحتی شدید ذهنی از خواب بیدار شدم و به روح خود گفتم: ۴ این چیزها را بر سر من آورده‌ای، زیرا در جستجوی راههای قادر متعال هستی. ۵ من از درگیری ذهنی خود خسته و از نظر روحی بسیار ضعیف هستم، و به دلیل ترس مهبیی که امشب سبب وحشت من شد، حتی کمترین قدرت و توانی نیز در من باقی نمانده است. ۶ از اینرو اینک در حضور قادر متعال دست به دعا بر می‌دارم، که تا پایان این ماجرا به من قوت عطا کند.

تفسیر رؤیا

۷ سپس گفتم: ای خداوند مقتدر، اگر در نظر تو التفات پیدا کرده‌ام و اگر بیش از بسیاری دیگر، در حضور تو، پارسا به حساب آمده‌ام؛ و اگر دعای من واقعاً به گوش تو رسیده است، ۸ به من قوت عطا کرده و به بنده خود تفسیر و مفهوم این رؤیای وحشتناک را نشان بده، تا روح من بتواند کاملاً تسکین یافته و آسوده شود. ۹ زیرا مرا شایسته دآوری تشخیص دادی تا پایان این دنیا و آخرین وقایع روزهای باز پسین به من نشان داده شود.

۱۰ به من گفت، این تعبیر رؤیایی است که تو دیدی: ۱۱ عقابی را که دیدی از دریا در حال بر آمدن است، چهارمین پادشاهی است که در رؤیای برادران دانیال ظاهر شد. ۱۲ اما آنطور که اکنون برای تو توضیح می‌دهم یا قبلاً برای تو توضیح داده‌ام، برای او توضیح نداده‌ام. ۱۳ روزهایی فرا می‌رسد که یک سلسله پادشاهی بر روی زمین ظهور خواهد کرد که از تمام سلسله‌های پادشاهی قبل از آن، وحشتناکتر خواهد بود. ۱۴ و دوازده پادشاه یکی پس از دیگری پادشاه خواهند شد. ۱۵ اما در میان دوازده پادشاه، مدت زمان دومین سلطنت به مراتب بیشتر از سایرین خواهد بود. ۱۶ این در واقع تعبیر آن دوازده بال است که تو دیدی.

۱۷ در مورد صدایی که صحبت می‌کرد و تو این صدا را نه از سر عقاب بلکه از وسط بدن آن شنیدی؛ چنین تعبیری دارد: ۱۸ در اواسط این پادشاهی مبارزات بزرگی بوجود خواهد آمد؛ که این پادشاهی را در معرض خطر سقوط قرار خواهد داد؛ اما با این وجود در آن ایام، سقوط نخواهد کرد، بلکه قدرت سابق خود را دوباره به دست خواهد آورد. ۱۹ همانطور که هشت بال کوچک را دیدی که به بالهای دیگر چسبیده‌اند، دارای چنین تعبیری است: هشت پادشاه در آن ظهور خواهند کرد که مدت زمان سلطنت آنها کوتاه و سالهایشان زودگذر خواهد بود. ۲۱ در هنگام نزدیک شدن اواسط سلطنت این سلسله، دو پادشاه از بین خواهند رفت؛ اما چهار تا از آنها تا زمان نزدیک شدن آخر دنیا باقی مانده و دو نفر از آنها نیز تا به انتهای زمان باقی خواهند بود.

۲۲ همانطور که سه سر را در حال استراحت دیدی، آن بدین مفهوم است که: ۲۳ قادر متعال در روزهای آخر سه پادشاه را بر می‌افرازد، و آنها دست به اصلاحات خواهند زد و بسیاری از چیزها را در این سلسله پادشاهی، تجدید و احیا کرده و بر زمین حکمرانی خواهند نمود. ۲۴ و ساکنان آن ستمکارتر از همه کسانی خواهند بود که قبل از آنها زندگی می‌کردند؛ از اینرو آنها به عنوان سر عقاب خوانده می‌شوند، زیرا این آنها هستند که کل شرارت عقاب در ایشان خلاصه شده و آخرین اعمال ناپسند خود را به نمایش می‌گذارند. ۲۵ در حالی که تو سر بزرگ عقاب را دیدی که ناپدید می‌شود؛ یکی از پادشاهان با درد و رنج بسیار در تختخواب خود می‌میرد. ۲۶ اما آن دو نفری که باقی مانده‌اند، شمشیر آنها را از پای درآورده و خواهد بلعید. ۲۸ زیرا شمشیر یکی از آنها دیگری را از پای درخواهد آورد، و خود او نیز در روزهای آخر به ضرب شمشیر خواهد افتاد.

۲۹ در مورد دیدن دو بال کوچکی که در بالای سمت سر راست قرار گرفتند، ۳۰ بدین مفهوم است که: اینها همانهایی هستند که قادر متعال برای پایان سلسله سلطنتی عقاب نگه داشته است. همانطور که دیدی، سلطنت آنها مختصر و پر از آشوب خواهد بود.

۳۱ و آن شیری را که دیدی با غرش از جنگل خارج شده و با عقاب صحبت می‌کند و به خاطر بی عدالتی او را مورد توبیخ قرار می‌دهد، و تمام سخنانی که از او شنیدی، ۳۲ همان مسیح است که خدای متعال او را برای روزهای آخر حفظ کرده است، کسی که از نسل داود ظهور خواهد کرد، و خواهد آمد

و با آنها صحبت خواهد کرد. او آنها را به خاطر اعمال شریرانه محکوم و به دلیل بی عدالتی کیفر خواهد داد؛ و رفتار و اعمال تحقیر آمیز آنها را در پیش روی خود آنها قرار خواهد داد. ۳۳ زیرا او در ابتدا آنها را زنده در مقابل تخت دآوری خود خواهد آورد، و آنها را پس از محکوم نمودن، نابود خواهد کرد. ۳۴ اما با رحمت او، بقایای قوم مرا، که در سرزمین من باقی مانده‌اند، آزاد کرده و آنها را شاد می‌سازد تا زمانی که روز باز پسین فرا برسد؛ همان روز دآوری، که من در ابتدا با تو در مورد آن صحبت کردم. ۳۵ این رویایی است که تو دیدی، و این نیز تعبیر آن است. ۳۶ و این تنها تو بودی که قادر متعال تو را شایسته آن تشخیص داد که این اسرار را بر تو آشکار کند. ۳۷ بنابراین تمام این چیزهایی را که دیدی در یک کتاب بنویس، و آنرا در یک مکان امن و مطمئن پنهان بساز. ۳۸ و آنها را به خردمندان قوم خود بیاموز، افرادی که آنها را بخوبی می‌شناسی، و قادر به درک و نگه داشتن این اسرار هستند. ۳۹ اما در مورد خود تو، هفت روز دیگر صبر کن، تا هر آنچه را که مورد نظر قادر متعال است؛ به تو نشان داده شود. سپس او مرا ترک کرد.

دیدار مردم با عزرا

۴۰ وقتی همه مردم شنیدند که هفت روز گذشته است و من هنوز به شهر برنگشته‌ام، همه آنها از کوچک و بزرگ جمع شده و به نزد من آمدند و با من صحبت کرده و گفتند: ۴۱ چه رفتار بدی از ما سر زده و یا چه کار اشتباهی نسبت به تو کرده‌ایم که ما را رها کرده و در این مکان نشسته‌ای؟ ۴۲ زیرا از همه انبیا تنها تو برای ما باقی مانده‌ای، مانند یک خوشه انگور از تاکستان، و مانند یک چراغ در مکان تاریک، و مانند بندری برای یک کشتی نجات یافته از طوفان. ۴۳ آیا بلاهای ناگواری که بر ما نازل شده، کافی نیست؟ ۴۴ اگر اکنون می‌خواهی ما را به حال خود رها کنی، چه بهتر بود که ما نیز مانند دیگران به همراه صهیون در آتش می‌سوختیم! ۴۵ زیرا ما بهتر از کسانی نیستیم که در آنجا مردند. و سپس همه آنها با صدای بلند گریه کردند.

۴۶ سپس به آنها پاسخ دادم و گفتم: ای اسرائیل، شجاع باش! و ای خانه یعقوب، اندوهگین مباش. ۴۷ زیرا خداوند متعال شما را به یاد می‌آورد و آن قادر مطلق، شما را در میان این مصائب فراموش نکرده است. ۴۸ اما در

مورد خودم، من نه شما را فراموش کرده‌ام و نه شما را ترک کرده‌ام. بلکه به این مکان آمده‌ام که بخاطر هلاکت صهیون دعا کنم و به دلیل تحقیر و اهانتی که بر معبد مقدس رفته است، برای آن از خداوند تقاضای رحمت کنم. ۴۹ اکنون هر یک از شما به خانه‌های خود بروید، و من نیز پس از طی این روزها به نزد شما خواهم آمد. ۵۰ بنابراین همانطور که به آنها گفتم، به شهر خود رفتند. ۵۱ اما من هفت روز در آن مرتع باقی ماندم، درست همانطور که فرشته به من دستور داده بود؛ و فقط از گل‌های مرتع می‌خوردم، و غذای من در آن روزها از گیاهان بود.

روای مردی از دریا

۱۱۳ پس از هفت روز، در طول شب رؤیایی دیدم. ۲ و وای، بادی در دریا پدید آمد و همه امواج آنرا برآشفته کرد. ۳ همانطور که به باد نگاه می‌کردم، چیزی شبیه به شکل یک مرد از دل دریا بیرون آمد. و دیدم که این مرد با ابرهای آسمان پرواز کرد. و به هر طرف که صورت خود را برای نگاه کردن بر می‌گرداند، همه چیز در زیر نگاهش به لرزش می‌افتاد، ۴ و هرگاه صدایی از دهانش بیرون می‌آمد، هر کسی که صدای او را می‌شنید ذوب می‌شد؛ درست مانند مومی که در تماس با آتش قرار می‌گیرد.

۵ بعد از این نگاه کردم و دیدم که تعداد بیشماری از مردم از چهار باد آسمان دور هم جمع شده‌اند تا بر علیه مردی که از دریا بیرون آمده است وارد جنگ شوند. ۶ و من نگاه کردم و دیدم که او کوه بزرگی را برای خود تراشیده، و به سمت آن پرواز کرد. ۷ و من سعی کردم منطقه یا مکانی را که کوه از آن جدا شده بود ببینم، اما نتوانستم.

۸ بعد از این نگاه کردم و دیدم که همه کسانی که علیه او گرد هم آمده بودند، تا با او وارد جنگ شوند، پُر از ترس شده‌اند؛ اما با این وجود، جرات جنگیدن داشتند. ۹ هنگامی که او قیام این جمعیت زیاد را دید، نه دست خود را بالا برد، نه نیزه یا سلاح جنگی در دست داشت. ۱۰ اما من فقط دیدم که چگونه او از دهانش چیزی مانند نهر آتش، و از لب‌هایش نفس شعله‌ور و از زبان او طوفانی از جرقه‌ها به بیرون پرتاب می‌شود. ۱۱، نهر آتش و نفس شعله‌ور و طوفان عظیم، همه با هم مخلوط شده و بر جمعیت زیادی که آماده جنگ بودند، افتاد و همه آنها را به آتش کشید، به طوری که ناگهان

دیگر چیزی از آن جمعیت بشمار قابل دیدن نبود، بلکه فقط غبار خاکستر و بوی دود بود. وقتی آنرا دیدم، متحیر شدم. ۱۲ بعد از این دیدم که همان مرد از کوه پایین آمده و جمعیت دیگری را به نزد خود فرا خواند، جمعیتی که صلح دوست بودند. ۱۳ سپس بسیاری از مردم به نزد او آمدند که برخی از آنها با نشاط و برخی نیز اندوهگین بودند. برخی از آنها دست و پا بسته بودند، و برخی نیز دیگران را به عنوان قربانی آورده بودند.

تفسیر رؤیا

سپس من با وحشت زیاد از خواب بیدار شدم و در حضور خداوند متعال دعا کرده و گفتم: ۱۴ از ابتدا به بنده خود این شگفتی‌ها را نشان داده‌ای و مرا شایسته دانسته‌ای که دعای من توسط تو شنیده شده است. ۱۵ اکنون تفسیر این رؤیا را نیز به من نشان دهید. ۱۶ زیرا هر چه در ذهنم بررسی می‌کنم، می‌بینم چقدر هولناک است برای کسانی که در آن روزها باقی مانده‌اند! و بیشتر از آن نیز، برای کسانی که نجات پیدا نکرده‌اند! ۱۷ برای کسانی که باقی نمانده‌اند، ناراحت کننده خواهد بود ۱۸ زیرا آنها چیزهایی را که برای روزهای آخر تعیین شده است می‌فهمند، اما نمی‌توانند به آنها دسترسی پیدا کنند. ۱۹ و به همین دلیل، افسوس برای کسانی که باقی مانده‌اند! زیرا آنها خطرات بزرگ و سختیهای زیادی را خواهند دید؛ درست همانطور که این رویاها نشان می‌دهد. ۲۰ با این وجود بهتر است که با این چیزها روبرو شوید، گرچه خطرناک است، اما بهتر از این است که مانند یک ابر از پهنه روزگار عبور کنید، و نبینید که در روزهای آخر چه اتفاقی خواهد افتاد. او به من پاسخ داد و گفت، ۲۱ من تفسیر این رؤیا را برای تو باز خواهم گفت و چیزهایی را که ذکر کردی نیز برای تو توضیح خواهم داد. ۲۲ همچنین آنچه را که درباره کسانی که زنده مانده‌اند، و در مورد آنهایی که زنده نمانده‌اند، بازگو کردی نیز پاسخ خواهم داد؛ تعبیر آن چنین است: ۲۳ کسی که آن زمان خطر را به ارمغان می‌آورد، از کسانی که در معرض خطر قرار دارند، محافظت خواهد کرد، کسانی که اعمال آنها بر اساس ایمان به خداوند متعال است. ۲۴ بدانید کسانی که باقیمانده‌اند، از کسانی که در گذشته‌اند، صاحب برکت بیشتری خواهند شد.

۲۵ تفسیر این رؤیا بدین شرح است: در مورد دیدن مردی که از دل دریا

بیرون آمد، ۲۶ این همان کسی است که قادر متعال او را برای سالهای متمادی نگه داشته است، که خودش آفرینش خود را رهایی می‌بخشد؛ و کسانی را که باقی مانده‌اند هدایت می‌کند. ۲۷ و در مورد دیدن باد و آتش و طوفانی که از دهان او بیرون می‌آید، ۲۸ و در حالی که او نیزه یا سلاح جنگی در دست ندارد، اما هنوز جمعیت زیادی را که برای تسخیر او آمده است، از بین می‌برد؛ این تعبیر آن است: ۲۹ روزهایی فرا می‌رسد که خداوند متعال کسانی را که روی زمین هستند رهایی می‌دهد. ۳۰ و کسانی که در زمین ساکن هستند، دچار ترس و حیرت خواهند شد. ۳۱ آنها برنامه ریزی می‌کنند که علیه یکدیگر جنگ کنند، شهر علیه شهر، مکان در برابر مکان، مردم علیه مردم و پادشاهی علیه پادشاهی دیگر. ۳۲ وقتی این چیزها اتفاق بیفتد و علائمی رخ دهد که قبلاً به شما نشان دادم، پسر من ظهور خواهد کرد، که تو او را به شکل مردی دیدی که از دریا بیرون آمد.

۳۳ وقتی همه ملل صدای او را می‌شنوند، آنگاه هر قومی قلمرو خود را ترک کرده و جنگهایی را که بر علیه یکدیگر داشتند، کنار می‌گذارند. ۳۴ یک جمعیت بیشمار جمع می‌شوند، و همانطور که دیدی مشتاق آن هستند که آمده و بر علیه او وارد جنگ شوند. ۳۵ اما او در قله کوه صهیون موضع گیری خواهد کرد. ۳۶ صهیون جدید خواهد آمد، و ساخته و آماده شده به نظر همه خواهد رسید، همانطور که کوهی را دیدی که بدون دخالت دست انسانی تراشیده شده است. ۳۷ سپس او، یعنی پسر من، ملل متحد را به دلیل شرارت خود مورد توبیخ قرار خواهد داد؛ که توسط طوفان نشان داده شد.

۳۸ او آنها را به خاطر افکار پلیدشان مورد سرزنش قرار می‌دهد و عذابی را که باید متحمل آن شوند، بر آنها نازل خواهد ساخت؛ که با نماد شعله ترسیم شده بود؛ و آنها را بدون هیچ تلاشی و فقط با استفاده از احکام قوانین الهی نابود خواهد کرد، که با نماد آتش به تصویر کشیده شده بود.

۳۹ و چنانچه دیدی که او جمعیت دیگری را به نزد خود فرا می‌خواند که صلح جو هستند؛ ۴۰ اینها نُه قبیله‌ای هستند که در دوران سلطنت هوشع توسط شَلْمَنَاسَر پادشاه آشور، از سرزمین خود به اسارت برده شدند. او آنها را در کنار رودخانه اسیر کرده و به سرزمین دیگری برد. ۴۱ اما آنها برنامه‌ای را برای خودشان تدوین کردند؛ چنانچه بسیاری از ملل را ترک کرده و به یک قلمرو دور افتاده رفتند، جایی که هیچ انسانی تا کنون زندگی نکرده بود، ۴۲ به طوری که حداقل بتوانند آداب و رسوم خود را که قبلاً در سرزمین خود

رعایت نکرده بودند، در آنجا به عمل بیاورند. ۴۳ آنها وارد معابر باریک کنار رود فرات شدند. ۴۴ زیرا در آن زمان قادر متعال نشانه‌ها و علائمی را برای آنها بوجود می‌آورد، و مجراهای رودخانه را متوقف می‌کرد تا آنها بتوانند از رودخانه عبور کنند. ۴۵ در این قلمرو، مسیری طولانی برای طی کردن وجود داشت، که یک سال و نیم به طول می‌کشید؛ این قلمرو به نام آرزارت شناخته می‌شود.

۴۶ سپس آنها تا آخر دنیا در آنجا زندگی کردند. و اکنون هنگامی است که آنها در حال باز آمدن هستند، ۴۷ خدای متعال مجدداً مجراهای رودخانه را متوقف می‌کند، تا آنها بتوانند از آن عبور کنند. از اینرو تو جمعیت زیادی را دیدی که بصورتی صلح آمیز جمع شده بودند. ۴۸ اما کسانی که از قوم تو باقی مانده‌اند، در محدوده مرزهای سرزمین مقدس من یافت شده و نجات خواهند یافت. ۴۹ بنابراین، هنگامی که او شروع به از بین بردن اقوامی می‌کند که جمع شده‌اند، در واقع از قومی که باقی مانده‌اند حفاظت می‌کند. ۵۰ سپس او به آنها علائم و شگفتیهای بسیاری نشان خواهد داد.

۵۱ گفتم: ای خدای عظیم، به من نشان بده که چرا مردی را دیدم که از دل دریا بیرون می‌آید؟

۵۲ او به من گفت، همانگونه که کسی نمی‌تواند چیزهایی را که در عمق دریا هستند کاوش کرده یا بداند، بنابراین هیچ کس بر روی زمین نیز نمی‌تواند پسر من یا کسانی را که با او هستند، ببیند؛ مگر در آن زمان معین که روز او فرا رسیده است. ۵۳ این مفهوم رؤیایی است که تو دیدی. و این امر تنها برای تو روشن شده است. ۵۴ زیرا تو راههای خود را ترک نمودی و خود را به من واگذار کرده، و در درک و شناخت از احکام من قدم برداشته‌ای. ۵۵ چنانچه زندگی خود را وقف حکمت کرده و فهمیدی که حکمت برای تو همانند یک مادر است. ۵۶ از اینرو من این موارد را به تو نشان دادم. زیرا پاداش تو نزد قادر متعال محفوظ است. چنین خواهد شد که پس از سه روز، چیزهای دیگری را برای تو بازگو کرده و مسائل سنگین و شگفت انگیزی را برای تو شرح خواهم داد.

۵۷ سپس من برخاسته و به طرف مرتع قدم برداشتم، و قادر متعال را به خاطر شگفتیهایی که هر از گاهی انجام داده، مورد ستایش و تجلیل بسیار قرار دادم. ۵۸ و به این دلیل که او بر زمان و هر آنچه که در زمان خود اتفاق می‌افتد حاکم است؛ سه روز در آنجا ماندم.

ماموریت عزرا

۱۱۴ در روز سوم، در حالی که من در زیر درخت بلوط نشسته بودم، ناگهان صدایی از بوته روبروی من بیرون آمد و گفت: عزرا، عزرا! ۲ گفتم: من اینجا هستم، خداوند! و بر روی پاهای خود بلند شدم. ۳ سپس به من گفتم، وقتی قوم من در مصر در اسارت بودند، من خود را در بوته‌ای آشکار کرده و با موسی صحبت کردم. ۴ و او را فرستاده و قوم خود را از مصر بیرون آوردم. و او را به کوه سینا هدایت کرده و روزهای زیادی او را در بالای کوه پیش خود نگه داشتم. ۵ من چیزهای شگفت انگیز بسیار زیادی به او گفتم و اسرار روزگار را به او نشان دادم و روزهای بازپسین دنیا را برای او بازگو کردم. سپس به او فرمان داده و گفتم: ۶ برخی از این سخنان را آشکارا برای عموم منتشر کرده و برخی از آنها را همانند راز در پیش خود نگه خواهی داشت. ۷ و اکنون به تو می‌گویم: ۸ نشانه‌هایی را که به تو نشان دادم، رؤیاهایی را که دیدی، و تعبیری را که شنیدی، مانند یک راز در قلب خود مخفی کن؛ ۹ زیرا تو از میان نژاد بشر برگزیده شده‌ای و از این پس تا پایان دنیا با پسر من و با کسانی که مانند تو هستند زندگی خواهی کرد. ۱۰ دوران جوانی دنیا گذشته است و زمان ایام پیری آن فرا رسیده است. ۱۱ زیرا سن دنیا به دوازده قسمت تقسیم می‌شود، و نُه قسمت از آن گذشته است، ۱۲ و همچنین نیمی از قسمت دهم نیز به سر آمده است؛ بنابراین دو قسمت از آن به انضمام نیمی از قسمت دهم باقی مانده است. ۱۳ پس خانه خود را نظم دهید و قوم خود را توبیخ کرده و به آنها هشدار دهید. در میان آنها به فروتنان تسلی داده و به خردمندان تعلیم دهید. و اینک این زندگی فاسد را به کنار بگذارید، ۱۴ افکار فانی را از خود دور کنید؛ بارهای انسانی را از دوش خود برداشته و خود را از طبیعت ضعیف خود رها کنید. ۱۵ افکاری را که بیشتر از همه ناراحت کننده هستند به کناری قرار داده و برای فرار از این دوران عجله کنید. ۱۶ زیرا شرارت‌های بسیار بدتر از آنچه که تا کنون دیده‌اید اتفاق می‌افتد، که پس از این رخ خواهد داد. ۱۷ هرچه جهان با پیر شدن ضعیف‌تر می‌شود، ساکنان آن دست به شرارت بیشتری می‌زنند. ۱۸ حقیقت بسیار دور شده و باطل نزدیک می‌شود. عقابی را که در رؤیا دیدی، هم اینک در حال آمدن است. ۱۹ سپس من پاسخ داده و گفتم: خداوند اجازه بده تا در حضور تو صحبت

کنم. ۲۰ زیرا من همانطور که به من فرمان دادید، خواهم رفت و افرادی را که اکنون زندگی می‌کنند، توبیخ خواهم کرد. اما چه کسی به آنانی که پس از این متولد می‌شوند هشدار خواهد داد؟ زیرا دنیا در تاریکی فرو رفته و ساکنان آن فاقد نور هستند. ۲۱ زیرا احکام تو سوزانده شده است، بنابراین هیچ کس از کارهایی که انجام شده یا توسط تو انجام خواهد شد، آگاهی ندارد. ۲۲ پس اگر در نزد تو التفات پیدا کردم، روح القدس را در درون من قرار دهید و من هر آنچه را که از ابتدا در جهان رخ داده است خواهم نوشت، چیزهایی که در شریعت تو نوشته شده است، تا مردم بتوانند راه خود را پیدا کرده و برای آنانی که می‌خواهند در روزهای بازپسین زندگی کنند، این امکان فراهم شود.

۲۳ او به من پاسخ داد و گفت: برو و مردم را جمع کن و به آنها بگو تا چهل روز اقدام به جستجوی تو نکنند. ۲۴ اما لوح‌های زیادی را جهت نوشتن برای خود آماده کن و صریه، دبریا، سلُمیا، اِثانوس، و عِسیئیل را به همراه خود بیاور. این پنج نفر از کسانی هستند که برای سریع نوشتن، تعلیم دیده‌اند. ۲۵ و شما به اینجا آمده و من در قلب شما چراغ فهم را روشن خواهم کرد؛ و تا زمانی که هر آنچه را که می‌خواهید بنویسید، تمام نشود، خاموش نخواهد شد. ۲۶ و پس از اتمام، برخی از آنها را در معرض دید عموم قرار دهید، و برخی دیگر را مخفیانه به خردمندان منتقل کنید. فردا در این ساعت شروع به نوشتن خواهید کرد.

آخرین سخنان عزرا به قوم

۲۷ من همانطور که او دستور داده بود عمل کردم، رفته و همه مردم را جمع کردم و گفتم: ۲۸ ای اسرائیل، این سخنان را بشنو. ۲۹ در ابتدا نیاکان ما در مصر به عنوان بیگانگان زندگی می‌کردند و از اسارت در آنجا آزاد شدند؛ ۳۰ و احکامی را جهت زندگی دریافت کردند، که آنها را مراعات نکردند، و شما نیز از این احکام تخطی کردید. ۳۱ سپس سرزمینی برای تملک در قلمرو صهیون به شما داده شد. اما شما و نیاکان شما مرتکب ظلم شده و از راههایی که خداوند متعال به شما امر کرده بود، سرپیچی کردید. ۳۲ و چون او یک داور عادل است، آنچه را که داده بود، در زمان مقتضی، از شما باز پس گرفت. ۳۳ و اکنون شما اینجا هستید، و قوم شما حتی دورتر از اینجا زندگی می‌کنند. ۳۴ حال اگر شما بر افکار خود حاکم شده و دلهای خود

را در تحت کنترل درآوردید، زنده خواهید ماند و پس از مرگ، رحمت خدا شامل حال شما خواهد شد. ۳۵ زیرا پس از مرگ، روز داوری فرا خواهد رسید، و ما دوباره زندگی خواهیم کرد. و سپس نام صالحان معلوم شده، و اعمال ناپسند شریران نیز هویدا می‌گردد. ۳۶ پس به مدت چهل روز، هیچ کس اجازه ندارد که به نزد من آمده یا اینکه دست به جستجوی من بزند.

تجدید کتاب شریعت توسط عزرا

۳۷ بنابراین من آن پنج نفر را، همانطور که او دستور داده بود، برداشته و به کشتزار آورده و در آنجا ماندیم. ۳۸ و روز بعد صدایی مرا فرا خوانده و گفت: عزرا، دهان خود را باز کن و آنچه را به تو می‌دهم بنوش. ۳۹ بنابراین دهانم را باز کردم و یک کاسه کامل نوشیدنی به من داده شد. پر از چیزی مانند آب بود، اما رنگ آن مثل آتش بود. ۴۰ من آن را گرفته و نوشیدم. و چون آن را نوشیدم، قلب من پر از فهم و سینه من لبریز از حکمت گردید، و روح من نیز حافظه خود را کاملاً حفظ کرد، ۴۱ و دهان من باز شده و دیگر بسته نشد. ۴۲ علاوه بر این، قادر متعال فهم لازم را به این پنج مرد نیز بخشید؛ و به نوبت هر آنچه را که دیکته شده بود، می‌نوشتند و از شخصیت‌هایی استفاده می‌کردند که آنها را نمی‌شناختند. آنها به مدت چهل روز و در طی روز می‌نوشتند، و شب‌ها نان خود را می‌خوردند. ۴۳ اما من در طی تمام روز صحبت می‌کردم و شب هنگام نیز ساکت نبودم. ۴۴ بنابراین در طول چهل روز، نود و چهار کتاب نوشته شد. ۴۵ و هنگامی که چهل روز به پایان رسید، قادر متعال با من صحبت کرد و گفت: بیست و چهار کتابی را که ابتدا نوشتید، در معرض دید عموم قرار دهید، و بگذارید که افراد شایسته و ناشایسته آنها را بخوانند. ۴۶ اما هفتاد کتابی که در آخر نوشته شده، نزد خود نگه داشته و در بین قوم، فقط به خردمندان بدهید. ۴۷ زیرا در آنها چشمه فهم، چشمه حکمت و نهر دانش جاری است. ۴۸ و من نیز همین کار را کردم.

انتقام از شریران

۱۱۵ خداوند می‌گوید، کلام نبوتی را که در دهان شما خواهم گذاشت، در گوش قوم من بگویید؛ ۲ و کاری کنید که آنها بر روی کاغذ نوشته شوند؛ زیرا آنها قابل اعتماد و کاملاً درست هستند. ۳ از توطئه بر علیه خود

نترسید و از افراد بی ایمانی که با شما مخالفت می‌کنند مضطرب نشوید. ۴ زیرا همه بی ایمانان در بی ایمانی خود خواهند مُرد.

۵، خداوند می‌گوید آگاه باشید، من جهان را در بلا فرو خواهم برد، شمشیر و قحطی، همراه با مرگ و ویرانی؛ ۶ زیرا شرارت تمام زمین را پوشانده است، و اعمال شریرانه آنها به حد نهایی خود رسیده است. ۷ بنابراین، خداوند می‌گوید، ۸ در مورد اعمال ناحق آنها که عدا مرتکب آن می‌شوند دیگر سکوت نخواهم کرد، و اعمال شریرانه آنها را دیگر تحمل نخواهم کرد. فریاد خون بی گناه و مرد صالح به حضور من رسیده است و روح صالحان مرتباً نزد من فریاد سر می‌دهند. ۹ خداوند می‌گوید، مطمئناً از آنها انتقام خواهم گرفت و خون تمام بی گناهان را از میان آنها باز پس خواهم گرفت. ۱۰ ببینید، قوم من مانند گله‌ای هستند که برای ذبح به طرف کشتارگاه برده می‌شوند. من اجازه نخواهم داد که آنها بیش از این در سرزمین مصر زندگی کنند؛ ۱۱ بلکه آنها را با دست بلند و با بازویی توانا از آنجا بیرون خواهم آورد؛ و مصر را مانند گذشته با بلاها نابود کرده و تمامی قلمرو آنرا ویران خواهم کرد.

۱۲ بگذارید مصر از اساس و بنیاد، بخاطر مجازات و عذاب بلاهایی که خداوند بر آنها نازل کرده است، سوگواری کند. ۱۳ بگذارید کشاورزانی که دانه آنها از زیر زمین جوانه نروده و درختان آنها در اثر آفت و تگرگ و با یک طوفان وحشتناک نابود شده است؛ سوگواری کنند. ۱۴ وای به حال جهان و کسانی که در آن زندگی می‌کنند! ۱۵ زیرا شمشیر و بدبختی به آنها نزدیک است؛ و ملتی بر علیه ملت دیگر قیام کرده و شمشیر به دست وارد جنگ می‌شود. ۱۶ زیرا در میان مردم نآرامی و آشفتگی به وجود خواهد آمد. یک گروه تلاش می‌کند بر دیگری غلبه کرده و کنترل اوضاع را به دست بگیرد؛ آنها به هیچ وجه به پادشاه یا به رهبران خود احترام نخواهند گذاشت. ۱۷ شخصی که مایل به رفتن به شهر است، دیگر قادر به انجام آن نیست. ۱۸ به دلیل غرور و تکبر آنها برای به دست آوردن قدرت، شهرها دچار اختلال می‌شوند، خانه‌ها ویران شده و مردم دچار هراس می‌شوند. ۱۹ مردم نسبت به همسایگان خود ترحم نخواهند کرد، بلکه با شمشیر به خانه آنها حمله خواهند کرد؛ و به دلیل گرسنگی و نیاز به نان، و به دلیل مصیبت فراوان، اموال آنها را غارت می‌کنند.

۲۰ خداوند می‌گوید، ببینید که چگونه من همه پادشاهان زمین را از طلوع

خورشید و از جنوب، و از شرق و از لبنان فرا می‌خوانم تا برای برگرداندن و بازپرداخت هر آنچه که گرفته‌اند به نزد من بیایند. ۲۱ خداوند می‌گوید، هر کاری که آنها تا به امروز نسبت به قوم من انجام داده‌اند، من نیز با آنها به همان شکل رفتار خواهم کرد؛ اعمال آنها به طور کامل بازپرداخت خواهد شد. ۲۲ دست راست من نسبت به گناهکاران گذشت خواهد کرد و شمشیر من از گرفتن جان کسی که خون بی گناه را بر روی زمین ریخته است، باز نخواهد ایستاد. ۲۳ و آتشی از غضب او شعله کشیده و بنیاد زمین و گناهکاران را مانند نی خشک خواهد سوزاند. ۲۴ خداوند می‌گوید، وای بر کسانی که گناه کرده و احکام مرا رعایت نمی‌کنند؛ ۲۵ من از آنها گذشت نخواهم کرد. راهی شوید، ای فرزندان بی ایمان! و معبد مقدس مرا آلوده نکنید. ۲۶ خداوند همه آنها را که بر علیه او گناه می‌کنند، می‌شناسد. بنابراین او آنها را به دست مرگ و هلاکت خواهد سپرد. ۲۷ در حال حاضر مصیبت و فاجعه سراسر جهان را فرا گرفته و راه فراری نیست. خداوند شما را راهی نخواهد داد، زیرا بر علیه او گناه کرده‌اید.

روای هولناک جنگ

۲۸ نگاه کنید! چه چشم انداز وحشتناکی از شرق ظاهر می‌شود! ۲۹ اقوام عرب با ارابه‌های زیاد بیرون آمده و مانند اژدها به پیش می‌روند؛ و از روزی که آنها حرکت خود را آغاز می‌کنند، سر و صدای آنها بر روی زمین پخش می‌شود؛ چنانچه همه کسانی که آنها را می‌شنوند دچار ترس شده و بر خود خواهند لرزید. ۳۰ همچنین کارمونیان،^۱ با خشم و غضب، مانند گرازهای وحشی از جنگل بیرون رفته و با قدرت فراوان می‌آیند و درگیر نبرد می‌شوند و با تته عظیم و دندانهای خود بخشی از سرزمین آشور را ویران می‌کنند. ۳۱ و سپس اژدهایان، منشاء خود را به یاد می‌آورند، هنوز باید قوی‌تر شوند. و اگر آنها با قدرت بسیار زیاد با یکدیگر متحد شده و به تعقیب آنها بپردازند، ۳۲ آنگاه دشمنان آنها بخاطر قدرت ایشان، آشفته و ساکت شده و از نبرد رو گردانده و فرار می‌کنند. ۳۳ و از سرزمین آشوریان، دشمنی از کمینگاه خود به آنها حمله خواهد کرد و یکی از آنها را نابود

۱ - کارمانیا، استان وسیعی از آسیا بود که بین پارت و آریا و در ضلع شمالی خلیج فارس قرار داشت.

می‌کند، و ترس و لرز بر سپاه آشور حاکم شده، و خفت و خواری پادشاهان آنها را فرا می‌گیرد.

داوری بر بابل

۳۴ نگاه کنید! ابرهایی از شرق و از شمال به طرف جنوب می‌روند! ظاهر آنها بسیار تهدیدآمیز، و پُر از خشم و طوفان است. ۳۵ آنها با یکدیگر برخورد می‌کنند و طوفانی از شرارت خود را بر روی زمین فرو می‌ریزند؛ و از شمشیرها آنقدر خون فرو می‌ریزد که ارتفاع آن تا شکم اسبها، ۳۶ و ران مردان، و زانوی شتران می‌رسد. ۳۷ و ترس و لرز عظیمی زمین را فرا می‌گیرد. کسانی که این غضب را می‌بینند، وحشت زده شده، و از ترس بر خود می‌لرزند.

۳۸ پس از آن ابرهای سنگین و طوفانی از جنوب، و از شمال و بخش دیگری از غرب برافراشته می‌شوند. ۳۹ اما وزش باد از شرق بر ابری که از خشم انباشته بود، غلبه کرده و آنرا پراکنده می‌سازد. توفانی که با باد شرقی سبب ویرانی شده بود، با خشونت به سمت جنوب و غرب رانده می‌شود. ۴۰ ابرهای بزرگ و قدرتمند شکل گرفته، و لبریز از خشم و با جوش و خروش، تمام زمین و ساکنان آن را نابود خواهند کرد، و بر هر بلندی و بر هر مکان رفیع، طوفانی از وحشت فرو خواهد ریخت. ۴۱ آتش و تگرگ و شمشیرهای پرنده و سیلاب آب جاری می‌شود، به طوری که تمام مزارع و همه نهرها از وفور آن آبها لبریز می‌شوند. ۴۲ آنها شهرها و حصارها، کوهها و تپه‌ها، درختان جنگل، چمنزارهای دشت و غلات آنها را نابود خواهند کرد. ۴۳ آنها برای از بین بردن آن باید به طور مداوم به بابل بروند. ۴۴ آنها به بابل می‌آیند، و آن را محاصره کرده و درگیر یک طوفان هولناک و ویرانگر می‌کنند. گرد و غبار و دود به آسمان می‌رسد و تمام شهرهای همجوار برای بابل سوگواری می‌کنند. ۴۵ و کسانی که زنده مانده‌اند، به کسانی که آنرا نابود کرده‌اند، خدمت می‌کنند.

داوری بر آسیا

۴۶ و تو ای آسیا، که از شکوه و جلال بابل و هیبت او شادمان هستی؛ ۴۷

وای بر تو، چقدر بینوا و اسفبار هستی، زیرا خود را مانند او ساخته‌ای؛ تو دختران خود را به فحشا می‌کشانی تا سبب خوشحالی و سربلندی دوستداران خود شوی، که همیشه با شهوت به دنبال تو هستند. ۴۸ تو در تمام اعمال و در تمام شیوه‌های خود از آن نفرت انگیز تقلید کرده‌ای؛ بنابراین خدا می‌گوید: ۴۹ من بلا بر شما خواهم فرستاد: بیوگی، فقر، قحطی، شمشیر و آفات، خانه‌های شما را ویران و نابودی و مرگ برای شما به ارمغان خواهد آورد. ۵۰ هنگامی که گرما بر تو نازل شود، آنگاه شکوه قدرت و اقتدار تو مانند گل پژمرده می‌شود. ۵۱ تو مانند زن بینوایی که مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد، چنان ضعیف خواهی شد که دیگر برای جلب عاشقان قدرتمند خود، جذابیت نخواهی داشت. ۵۲ خداوند می‌گوید، آیا من با تو به شکلی خشونت آمیز برخورد می‌کردم، ۵۳ اگر تو قوم برگزیده مرا به طور مداوم به قتل نمی‌رساندی، و در هنگام مستی، با شور و شعف دستان خود را به هم نمی‌زدی و در مورد مرگ آنها با شادی صحبت نمی‌کردی؟

۵۴ صورت خود را زیباتر کنید! ۵۵ مزد فاحشگی در دامن شماست؛ بنابراین عوض خود را به همان صورت دریافت خواهید کرد. ۵۶ خداوند می‌گوید، به همان شکل که با قوم برگزیده من رفتار کردید، خدا نیز با شما رفتار خواهد کرد و شما را به دست مصیبت و سختی خواهد سپرد. ۵۷ فرزندان تو از گرسنگی می‌میرند و تو بوسیله شمشیر سقوط خواهی کرد. شهرهای تو از بین خواهند رفت و تمام ساکنان تو در دشتها با شمشیر نابود خواهند شد. ۵۸ کسانی که در کوهها و ارتفاعات زندگی می‌کنند از گرسنگی هلاک می‌شوند و از شدت گرسنگی، گوشت بدن خود را با نان خورده و از تشنگی بجای آب از خون خود می‌نوشند. ۵۹ شما بیش از هر کس دیگری بدبخت خواهید بود، اما هنوز هم مصیبت‌های بیشتری در راه خواهد بود. ۶۰ آنهایی که این شهر نفرت انگیز را در هم فرو ریخته‌اند، در هنگام بازگشت از بابل ویران شده، بخشی از سرزمین تو را نابود کرده و بخشی از شکوه تو را از بین خواهند برد. ۶۱ تو بوسیله آنها، مانند پوشال بر زمین فرو می‌ریزی و آنها مانند آتش برای تو خواهند بود. ۶۲ آنها، تو و شهرهای تو، سرزمین تو، و کوههای تو را خواهند بلعید. آنها تمام جنگل‌ها و درختان بارور تو را به آتش کشیده و خواهند سوزاند. ۶۳ آنها فرزندان تو را اسیر، ثروت تو را غارت، و جلال چهره تو را ویران می‌کنند.

نبوت علیه ملتها

۱۱۶ وای بر تو، ای بابل و آسیا! وای بر تو، ای مصر و سوریه! ۲ برای عزاداری، پلاس و خرقة از موی بز، بر تن کرده و برای فرزندان خود شیون و زاری کنید؛ زیرا نابودی شما در دست اقدام است؛ ۳ شمشیر به دنبال شما فرستاده شده است، و چه کسی قادر است آنرا برگرداند؟ ۴ آتشی بر شما نازل شده است؛ و چه کسی قادر است آنرا خاموش کند؟ ۵ مصیبت بر شما گسیل شده است، و چه کسی می‌تواند شما را از دست آن رهایی دهد؟ ۶ آیا کسی می‌تواند یک شیر گرسنه را در جنگل نگه دارد؟ یا از گسترش آتشی که در انبار گاه افتاده است جلوگیری کند؟ ۷ آیا می‌توان پیکانی را که توسط یک کماندار قوی پرتاب شده است، دفع کرد؟ ۸ خداوند خدا بلاایی را می‌فرستد؛ و چه کسی قادر است، جلوی آنها را بگیرد؟ ۹ آتش از غضب او فروخته خواهد شد، و چه کسی است که آن را خاموش کند؟ ۱۰ او صاعقه خواهد فرستاد و چه کسی از آن نخواهد ترسید؟ او رعد و برق ایجاد خواهد کرد، و چه کسی وحشت نخواهد کرد؟ ۱۱ خداوند تهدید خواهد کرد، و چه کسی در حضور او متزلزل نخواهد شد؟ ۱۲ زمین و بنیاد آن می‌لرزند، اعماق دریا دچار طغیان شده و امواج و ماهی‌های آن در حضور خداوند و جلال قدرت او دچار آشفتگی خواهند شد. ۱۳ زیرا دست راست او که کمان را کشیده از قدرت بسیار برخوردار است، و پیکانهایی را که پرتاب می‌کند بسیار تیز هستند، و هنگامی که به انتهای جهان پرتاب می‌شوند، هرگز به خطا نمی‌روند. ۱۴ بلاها فرستاده می‌شوند و تا زمانی که بر روی زمین به اهداف خود نرسند، باز خواهند گشت. ۱۵ آتش شعله ور می‌گردد و تا زمانی که بنیاد زمین را نسوزاند و از بین نبرد، خاموش نخواهد شد. ۱۶ درست همانطور که پیکان پرتاب شده توسط یک کماندار قدرتمند، دیگر بر نخواهد گشت، بلاهایی که بر زمین فرستاده می‌شود نیز، غیر قابل بازگشت است. ۱۷ وای بر من! وای بر من که محکوم هستم! پس چه کسی مرا در آن روزها نجات خواهد داد؟

وحشت روزهای آخر

۱۸ غم و اندوه خواهد آمد، و سوگواری شروع خواهد شد. قحطی خواهد آمد، و بسیاری از بین خواهند رفت. جنگ‌ها شروع خواهد شد، و قدرتمندان

وحشت خواهند کرد. وقتی مصیبت آغاز می‌شود، آنگاه همه بر خود خواهند لرزید؛ پس وقتی زمان هجوم بلاها برسد، مردم چه خواهند کرد؟ ۱۹ قحطی و طاعون، مصیبت و درد و رنج به عنوان تادیب برای اصلاح بشر فرستاده شدند؛ ۲۰ با این وجود، آنها از شرارت خود دست بر نداشتند، و هرگز به این تادیبها توجه نکردند. ۲۱ در واقع، در آن دوران، مواد غذایی بر روی زمین آنقدر ارزان خواهد شد که مردم تصور کنند که صلح برای آنها تضمین شده است، اما سپس نوبت مصیبت و فاجعه فرا خواهد رسید؛ شمشیر، قحطی و اغتشاش فراوان از ثمرات آن است. ۲۲ بسیاری از کسانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند از قحطی هلاک می‌شوند؛ و کسانی که از قحطی جان سالم به در می‌برند، بوسیله شمشیر خواهند مُرد. ۲۳ و مردگان مانند فضولات به بیرون ریخته می‌شوند، و کسی نخواهد بود که آنها را تسلی دهد. زیرا زمین متروک و شهرهای آن ویران شده است. ۲۴ هیچ کس باقی نمانده تا زمین را کشت کرده یا در آن بذر بکارد. ۲۵ درختان میوه خواهند داشت، اما چه کسی هست که آنها را جمع کند؟ ۲۶ انگور کاملاً رسیده است، اما چه کسی است که شیره آنها بگیرد؟ زیرا شهرها متروک، و در همه جا، تنهایی و سکوت حکمفرما خواهد شد. ۲۷ شخص آرزو می‌کند انسان دیگری را ببیند یا حتی فقط صدای آنها بشنود. ۲۸ زیرا در هر شهر فقط ده نفر، و در هر مزرعه فقط دو نفر باقی مانده‌اند که آنها نیز خود را در بیشه‌های انبوه یا شکاف صخره‌ها پنهان کرده‌اند. ۲۹ دقیقاً همانطور که در یک باغ زیتون ممکن است سه یا چهار زیتون روی هر درخت باقی بماند، ۳۰ یا همانطور که وقتی محصول یک تاکستان حتی اگر توسط کسانی برداشت شده باشد که بسیار دقت می‌کنند؛ باز هم ممکن است بعضی از خوشه‌ها باقی بماند؛ ۳۱ بنابراین در آن روزها نیز ممکن است سه یا چهار نفر از تیغ شمشیر کسانی که خانه آنها را جستجو می‌کردند، در امان مانده باشند. ۳۲ زمین متلاشی و متروک خواهد شد و مزارع آنها در زیر علف فرو رفته، و جاده و همه راههای آنها پوشیده از خار و خس خواهند شد، زیرا دیگر هیچ گوسفندی در امتداد آنها نخواهد رفت. ۳۳ دختران باکره در ماتم هستند زیرا دیگر دامادی ندارند. زنان باید سوگواری کنند زیرا همسری ندارند. دختران آنها باید عزادار شوند، زیرا دیگر هیچ یآوری ندارند. ۳۴ داماد آنها در جنگ کشته خواهد شد و شوهران آنها از قحطی هلاک خواهند شد.

آمادگی قوم خدا

۳۵ ای کسانی که خداوند را خدمت می‌کنید، اکنون به این چیزها گوش دهید و آنها را درک کنید. ۳۶ این کلام خداوند است. آنرا پذیرفته و به هر آنچه که خداوند می‌گوید ایمان داشته باشید. ۳۷ مصیبت و بلاها نزدیک هستند و به تأخیر نمی‌افتند. ۳۸ یک زن باردار، در نهمین ماه خود که زمان زایمان نزدیک می‌شود، دو یا سه ساعت قبل از زایمان، درد زیادی در اطراف رحم خود حس می‌کند؛ اما بیرون آمدن نوزاد از رحم مادر، لحظه‌ای نیز به تأخیر نمی‌افتد. ۳۹ به همین ترتیب جهان ناله می‌کند، و درد آنرا از هر طرف احاطه می‌کند، اما نازل شدن این بلاها بر زمین با تأخیر روبرو نخواهد شد.

۴۰ ای قوم من، سخنان مرا بشنوید؛ برای نبرد آماده شوید و در اوج این مصیبت و بلاها مانند بیگانگان بر روی زمین زندگی کنید. ۴۱ کسی که چیزی می‌فروشد نباید انتظار فایده داشته باشد و کسی که می‌خرد باید مانند کسی باشد که از دست می‌دهد؛ ۴۲ بگذار کسی که تجارت می‌کند مانند کسی باشد که سودی کسب نمی‌کند. و بگذار کسی که خانه‌ای می‌سازد مانند کسی باشد که در آن زندگی نخواهد کرد. ۴۳ بگذار کسی که می‌کارد، مانند کسی باشد که درو نخواهد کرد. همچنین کسی که انگورها را هرس می‌کند، مانند کسی باشد که انگور را جمع نمی‌کند. ۴۴ کسانی که ازدواج می‌کنند، مانند کسانی باشند که فرزندی ندارند. و کسانی که ازدواج نمی‌کنند، کسانی باشند که بیوه هستند. ۴۵ به همین دلیل، کسانی که کار می‌کنند، مانند کسانی باشند که بیهوده کار می‌کنند. ۴۶ زیرا محصول بیگانگان را تصرف، کالای آنها را غارت، خانه آنها را سرنگون، و فرزندان آنها را اسیر می‌کنند؛ به این دلیل که در اسارت و قحطی فرزندان خود را به دنیا آورده‌اند. ۴۷ کسانی که به تجارت مشغول هستند، فقط برای غارتگری این کار را می‌کنند. خداوند می‌گوید، هر چه بیشتر شهرها، خانه‌ها، اموال، و افراد خود را آراسته کنند، ۴۸ به خاطر گناهانشان، بیشتر از دست آنها عیبانی خواهم شد. ۴۹ همانطور که یک زن محترم و با فضیلت از زن بی پروا کراهت دارد، ۵۰ بدینسان پارسایی نیز از شرارت کراهت دارد. هر چند که گناه سعی به آراستن خود کند، اما وقتی که مدافع پارسایی بیاید، هر گناهی را در جهان افشا و آنرا رو در رو محکوم خواهد کرد. ۵۱ بنابراین

از گناه یا آنچه که گناهکاران انجام می‌دهند، تقلید نکنید. ۵۲ زیرا پس از مدت زمان کوتاهی شرارت از زمین دور خواهد شد و عدالت بر ما سلطنت خواهد کرد.

قدرت و حکمت خدا

۵۳ گناهکاران نباید بگویند که گناه نکرده‌اند؛ زیرا خداوند ذغال برافروخته بر سر آنها می‌سوزاند، که می‌گویند: من در حضور خدا و جلال او گناه نکرده‌ام. ۵۴ خداوند مطمئناً از هر کاری که مردم انجام می‌دهند آگاه است. او از تخیلات و افکار و قلب آنها شناخت کامل دارد. ۵۵ او گفت: بگذار زمین آفریده شود و زمین خلق شد، و گفت، آسمان آفریده شود و آفریده شد. ۵۶ به سخن او، ستارگان در جای خود قرار گرفتند و او حتی تعداد ستارگان را نیز می‌داند. ۵۷ او عمیق‌ترین نقاط و گنجینه‌های آنرا مورد ارزیابی، و دریا و محتویات آن را مورد سنجش قرار داده است. ۵۸ او دریا را در میان آبها محصور کرده است، و با سخنان خود زمین را بر روی آب معلق کرده است. ۵۹ خداوند آسمان را پهن کرد و آنرا محکم بر بالای آبها ثابت و ایمن ساخت. ۶۰ او چشمه‌های آب را در بیابان و برکه‌هایی در بالای کوهها قرار داد تا رودخانه‌ها را از ارتفاعات برای آب رسانی به زمین بفرستد.

۶۱ او انسانها را شکل داد و قلب را در سینه هر شخصی قرار داد، و به هر کس نفس و حیات و فهم داد. ۶۲ و روح خدای متعال به آنها داده شد، که مطمئناً همه چیز را خلق و چیزها و مکانهایی را که در گوشه‌های تاریک پنهان است مورد کاوش قرار می‌دهد. ۶۳ او تصورات شما و از هر آنچه که در قلب شما می‌گذرد، کاملاً آگاه است! وای بر کسانی که گناه می‌کنند و می‌خواهند گناهان خود را پنهان کنند! ۶۴ خداوند مطمئناً تمامی اعمال آنها را مورد بررسی قرار داده، و آنها را در دید عموم می‌گذارد. ۶۵ هنگامی که گناهان شما در برابر دیگران به نمایش گذاشته می‌شود، شرمنده خواهید شد و شرارت و گناهان شما در آن روز شما را متهم خواهند کرد. ۶۶ چه خواهید کرد؟ چگونه می‌توانید گناهان خود را در حضور خداوند و جلال او پنهان کنید؟ ۶۷ در واقع، خداوند داور عادل است. از او بترسید! از گناهان خود دست کشیده و شرارت خود را به کناری گذاشته و دیگر هرگز مرتکب آنها نشوید. آنگاه خداوند شما را هدایت کرده و از مصیبت و تمامی بلاها رهایی می‌دهد.

تعرض به قوم خدا

۶۸ خشم جمعیت زیادی بر علیه شما برانگیخته می‌شود. آنها بعضی از شما را می‌گیرند و سعی می‌کنند تا شما را مجبور به خوردن گوشتی کنند که برای بت‌ها قربانی شده است. ۶۹ و کسانی که به خوردن آن رضایت می‌دهند، باید مورد تحقیر و استهزا قرار گیرند و زیر پا پایمال شوند. ۷۰ زیرا در بسیاری از مناطق و در شهرهای همجوار قیام بزرگی بر علیه کسانی که از خداوند می‌ترسند، به راه خواهد افتاد. ۷۱ آنها مانند دیوانگان خواهند بود و از هیچ کس گذشت نخواهند کرد، بلکه کسانی را که همچنان از خداوند می‌ترسند، غارت کرده و نابود می‌کنند. ۷۲ آنها اموال ایشان را غارت کرده و از خانه و زندگی خود بیرون می‌کنند. ۷۳ سپس ایمان و تعهد واقعی برگزیدگان من مانند طلایی که در آتش آزمایش شده باشد آشکار خواهد شد.

و عده نجات الهی

۷۴ خداوند می‌گوید، گوش دهید، ای تنها برگزیدگان من؛ روزهای مصیبت و بلا فرا رسیده است، اما من شما را از آنها نجات خواهم داد. ۷۵ نترسید و شک نکنید، زیرا خداوند راهنما و یاور شماست. ۷۶ خداوند می‌گوید، ای شمایی که فرمانها و احکام مرا حفظ می‌کنید، نباید گناهان خود را سنگین کرده، یا شرارت شما بر شما غلبه کند. ۷۷ وای بر کسانی که در زیر بار گناهان خود خفه شده و غرق در شرارت خود شده‌اند! آنها مانند مزرعه‌ای هستند که در زیر انبوه علف هرز خفه شده و مسیرهای آن چنان در خار و خس غرق شده است، که هیچ کس نمی‌تواند از آن عبور کند. ۷۸ یک چنین مزرعه‌ای، متروک و غیر قابل استفاده است، پس به مصرف آتش می‌رسد.